



مقطع تحصیلی: کارشناسی رشته: معماری داخلی ترم: چهارم سال تحصیلی: ۱۳۹۸-۱۳۹۹
نام درس: طراحی فضای داخلی مذهبی و فرهنگی نام و نام خانوادگی مدرس: محمد بهزادپور
آدرس email مدرس: mohammad.behzadpour@gmail.com تلفن همراه مدرس: ۰۹۱۲۶۸۱۱۶۹۱

جزوه درس: طراحی فضای داخلی مذهبی و فرهنگی (بررسی نمونه موردی) مربوط به هفته : اول
text: دارد voice: ندارد power point: ندارد

طراحی فضای داخلی مذهبی و فرهنگی

بررسی نمونه موردی ایرانی

(مسجد و مجتمع فرهنگی ولی عصر)



این مجتمع در ضلع جنوبی تئاتر شهر تهران واقع گردیده است و با زیر بنای ۲۵۶۹۸ متر مربع دارای ۷ طبقه که شامل سه طبقه پارکینگ به گنجایش ۱۶۸ خودرو، یک طبقه سالن اجتماعات به ظرفیت ۳۱۱ نفر، دو طبقه شبستان زنانه و مردانه به ظرفیت حدوداً ۱۲۰۰ نفر و یک طبقه بخش های اداری و فرهنگی به تعداد ۸ واحد می باشد. اسکلت آن از نوع فلزی است.





عنوان: مسجد و مجتمع فرهنگی ولی عصر

معمار: رضا دانشمیر - کاترین اسپریدونف

موقعیت قرارگیری: خیابان انقلاب اسلامی - چهارراه ولیعصر (عج) - جنب تئاتر شهر

منطقه شهرداری: ۱۱

مساحت زمین: ۵۰۰۰ متر مربع

زیربنای پروژه: ۲۷۰۰۰ مترمربع

تاریخچه:

در ضلع جنوبی پارک دانشجو زمینی به مساحت ۵۰۰۰ متر وجود داشت، که مالکیت آن مورد اختلاف اهالی محل و شهرداری منطقه ۱۱ بود و موقتا کاربری زمین به صورت پارکینگ قرار گرفت. بخشی از این زمین وقف ساختن مسجد شده بود و اهالی محل با توجه به نداشتن مسجد محلی و ناهنجاری های موجود در پارک فوق و اطراف تئاتر شهر، مصمم به ساختن مسجد در آن زمین بودند. اما شهرداری مایل به ساختن یک مجموعه تجاری و خدماتی بود. از سال ۱۳۶۰، اهالی با برپا کردن چادر و مصالح بنایی و اسکلت فلزی به انجام مراسم مذهبی در آن مکان پرداختند. بالاخره پس از ۲۳ سال؛ در سال ۱۳۸۳ تصویب شد که در این مکان یک مسجد و مجتمع فرهنگی دایر شود. و طراحی آن، به معماری به نام عبدالحمید نقره کار (که پیش از این مسجد قبا، مسجدالرسول (ص) و ده ها مسجد دیگر در تهران و شهرستان ها را طراحی و نظارت بر اجرا نموده است) سپرده شد که طرحی با شکوه و شایسته مقام مسجد، ارایه شد.

فرآیند طراحی از زبان نقره کار:

از آنجا که در محور شمالی - جنوبی تهران یعنی خیابان ولیعصر، از میدان تجریش، تا میدان راه آهن و محور شرقی - غربی تهران یعنی خیابان انقلاب از میدان امام حسین تا میدان انقلاب، هیچگونه نماد مذهبی شاخص وجود نداشت.

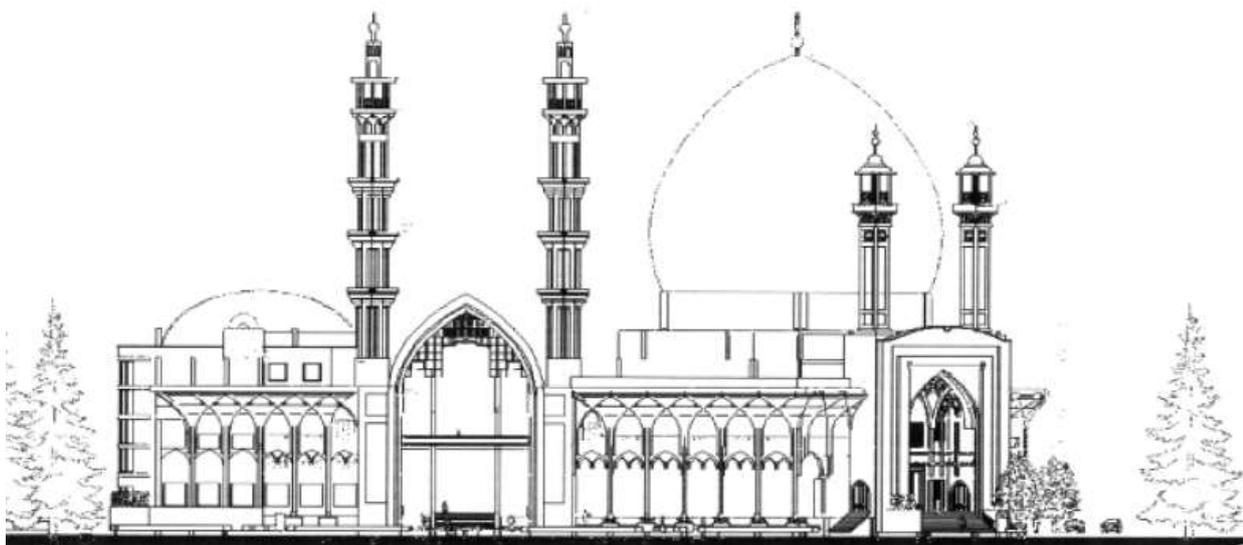


و از طرفی شهرداری مایل بود در غرب تهران و نزدیک نهاد ریاست جمهوری، مسجد و مجموعه فرهنگی در مقیاس یک مسجد جامع، برای برگزاری مراسم ملی داشته باشد، بنابراین مقیاس این مجموعه در حد یک مسجد جامع و مجموعه فرهنگی مرکز شهری، تعیین و مصوب شد.

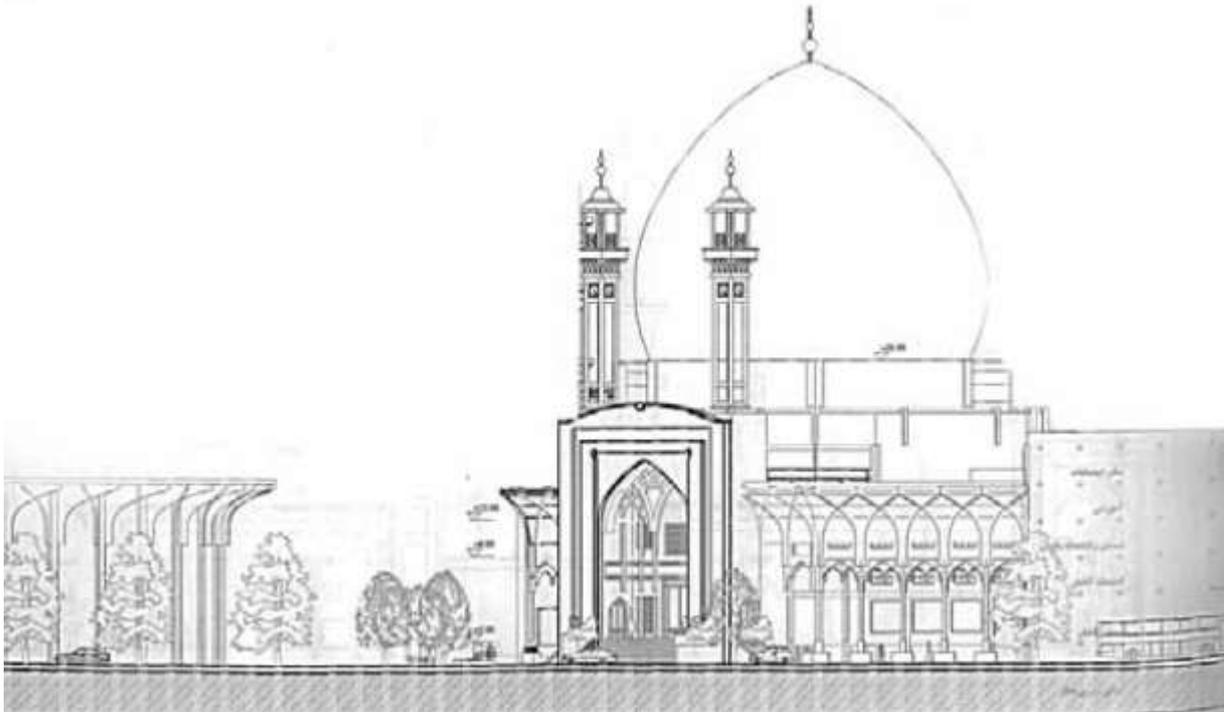
در جهت هماهنگی با ساختمان تئاتر شهر، ارتفاع ساختمان مسجد تا زیر گنبد خانه آن، با ارتفاع تئاتر شهر مساوی گرفته شد و بدنه آن شبیه تئاتر شهر طراحی شد، تا این دو ساختمان با یکدیگر هم آهنگ و مکمل بوده و در مجموع وحدت داشته باشند. از آنجا که منظر اسلامی، مفهوم عبادت و عبادتگاه، مهم ترین عنصر در فضای شهری محسوب می شود، بنابراین به صورت بدیهی، سر درب مسجد، مناره ها و گنبد خانه مسجد، باید در طراز بالاتری از تئاتر شهر قرار می گرفت و بدین صورت طراحی شد.



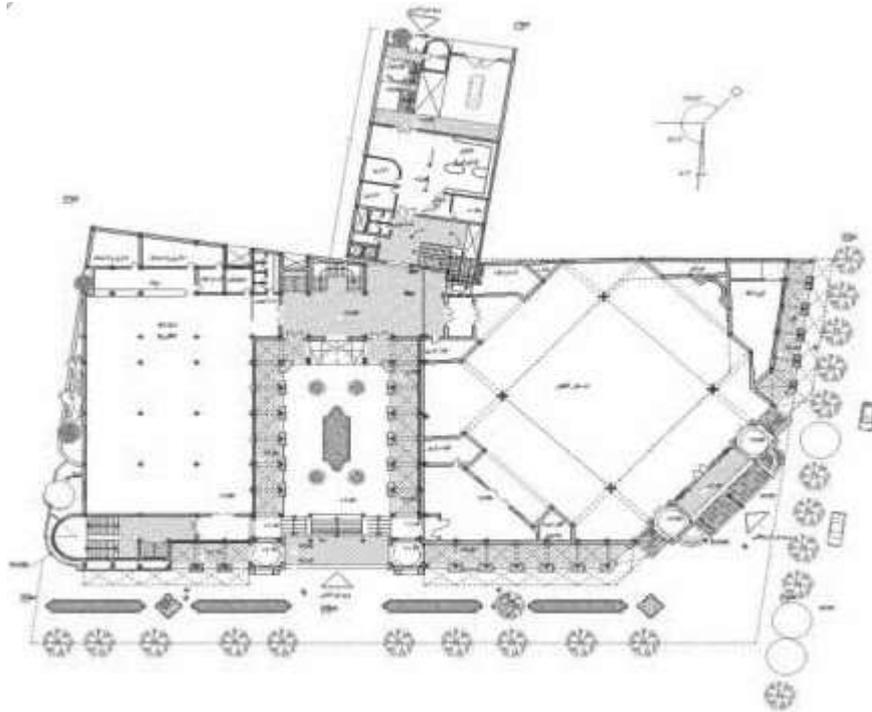
نمایی سه بعدی از طرح اولیه مسجد هماهنگ با ساختار تئاتر شهر



نمای شمالی طرح اولیه ی مسجد به سوی پارک دانشجو و خیابان ولیعصر



مقطع از طرح اولیه مسجد، فقط سردرب، مناره ها و گنبد از نمای تئاتر شهر بلندتر است.



پلان طرح اولیه ی مسجد

رد طرح اولیه:

این طرح به مخالفت هنرمندانی که تئاتر شهر خانه شان بود قرار گرفت و لب به اعتراض گشودند که؛ ارتفاع مسجد، ساحت تئاتر شهر را درهم می شکند و نباید این میراث ماندگار، کوچک شمرده شود. این اعتراض، سه سال به طول انجامید و دست آخر، کار از عبدالحمید نقره کار گرفته شد و برای گره گشایی از آن، به مهندس رضا دانشمیر و

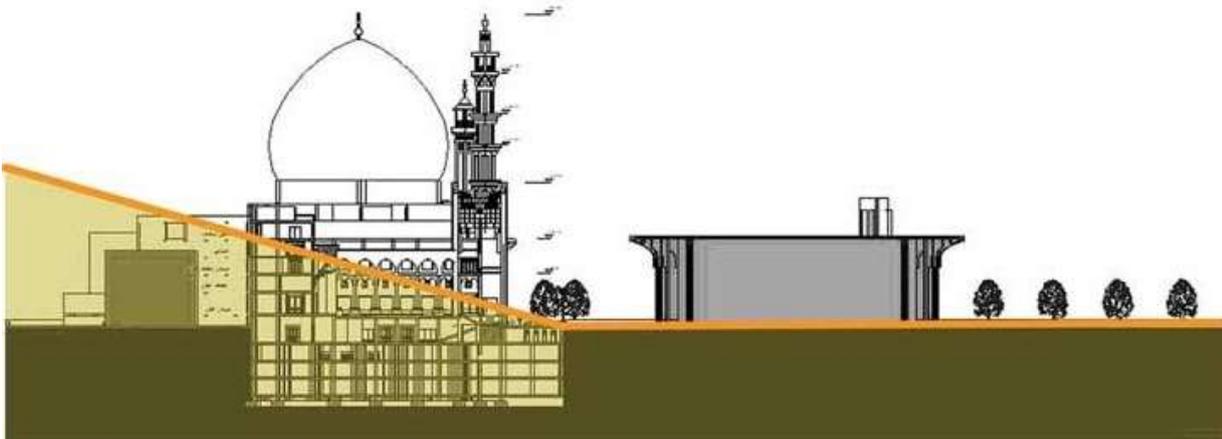


همسر او کاترین اسپریدونف Catherine Spiridonoff سپرده شد.

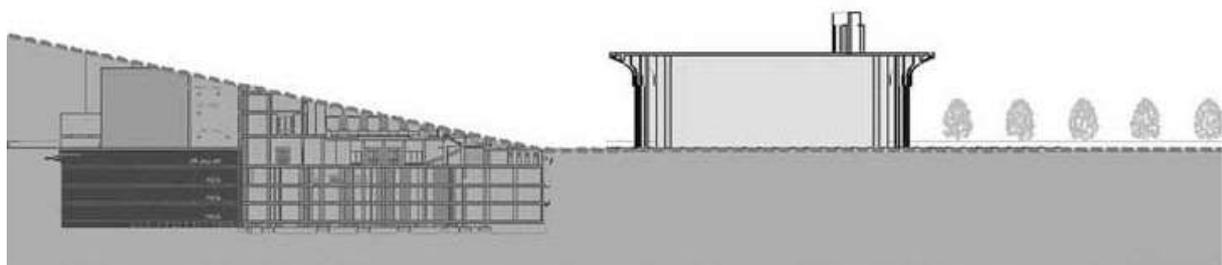
فرآیند طراحی از زبان دانشمیر:

رضا دانشمیر در مصاحبه خود پیرامون این طرح می‌گوید: مشاوره آمده بود و مسجد خیلی بزرگ و کلاسیکی را آن جا پیش‌بینی کرده بود که با خود ساختمان تئاتر شهر تناسب نداشت. ارتفاعش به اندازه‌ی گنبد سلطانیه بود؛ ۵۲ متر (تئاتر شهر حدوداً ۲۰ متر است) بنابراین، هنرمندان اعتراض کرده بودند که این ساختمان بزرگ است و تعادل ندارد و باید این طرح عوض شود.

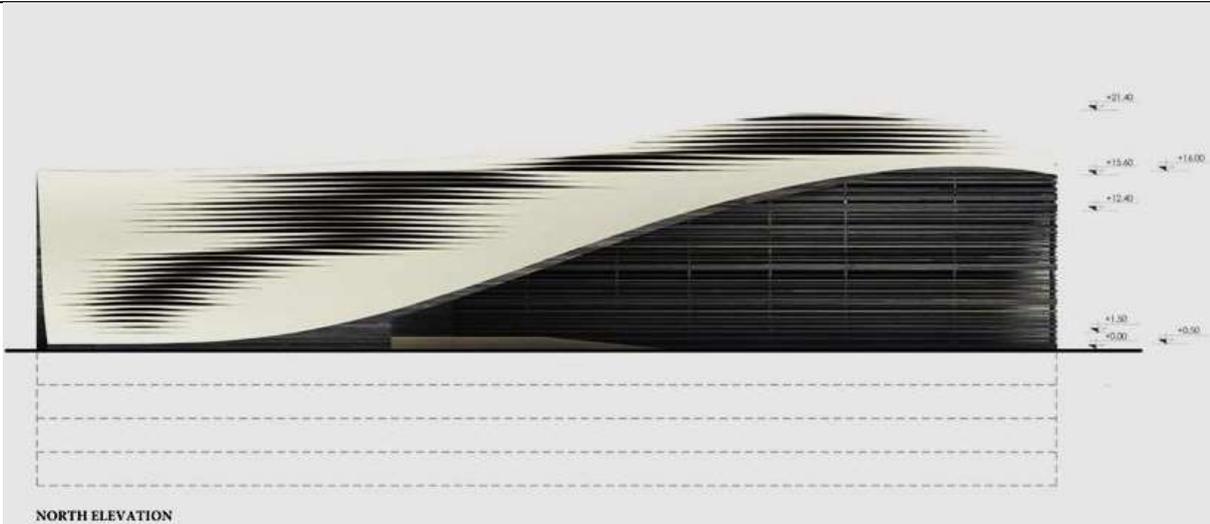
دانشمیر کانسپت طرح خود را اینگونه وصف می‌کند که: "اول خواستیم ایده را از وضع موجود برداشت کنیم که دیدیم وضع موجود غلط است. بنابراین وضع موجود را کات کردیم... به ایده لنداسکیپ [محوطه‌سازی و منظر] رسیدیم. اگر قرار است کنار تئاتر شهر مسجدی ساخته شود، این مسجد می‌بایست لنداسکیپ باشد و می‌بایست با پارک دانشجو کار کند. این ایده را رویش کار کردیم. در واقع یک سطح پوسته لنداسکیپ را پیش‌بینی کردیم که می‌آید در قسمتی که باید با پارک دانشجو مواجه شود، به زمین می‌رسد؛ و در قسمتی که به خیابان ولی عصر و تئاتر شهر منتهی می‌شود، یک تحدبی را به خودش می‌گیرد... در این ایده، ارتفاع مسجد در حد همین تاج تئاتر شهر هست."



برش ارتفاعی مسجد برای احترام به تئاتر شهر



طرح اصلی



نمای شمالی مسجد ولی عصر



پرسپکتیو مسجد از دید ناظر، نمای شمال شرقی



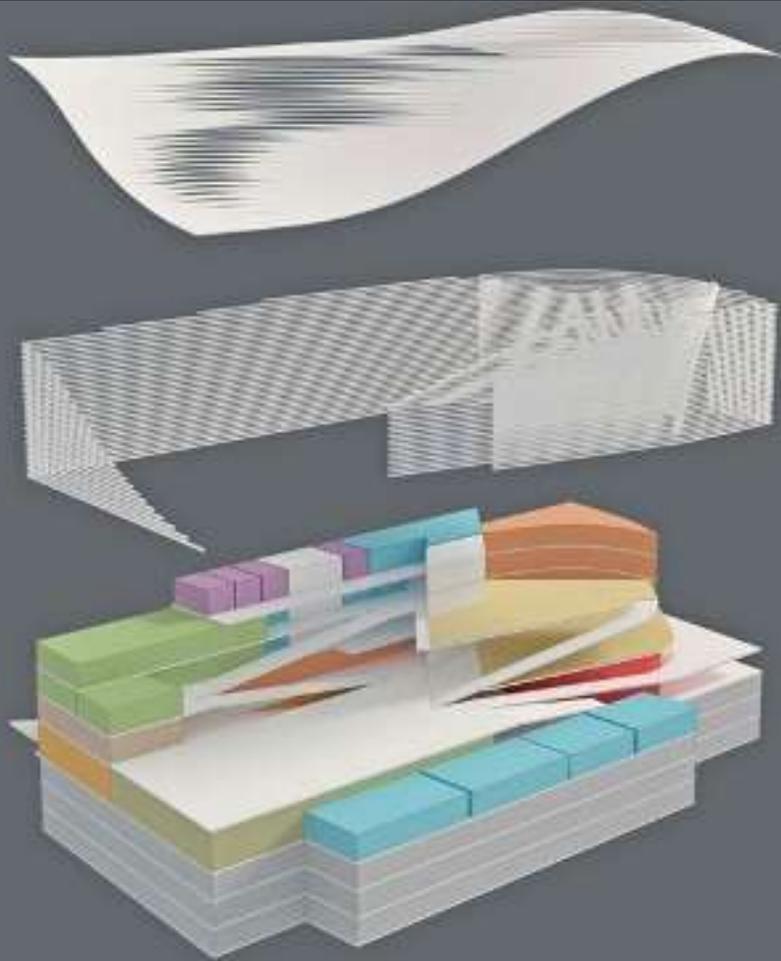
پرسپکتیو مسجد از درب شمالی جنب خیابان ولیعصر



پرسپکتیو دید پرنده از مسجد ولی عصر (عج)

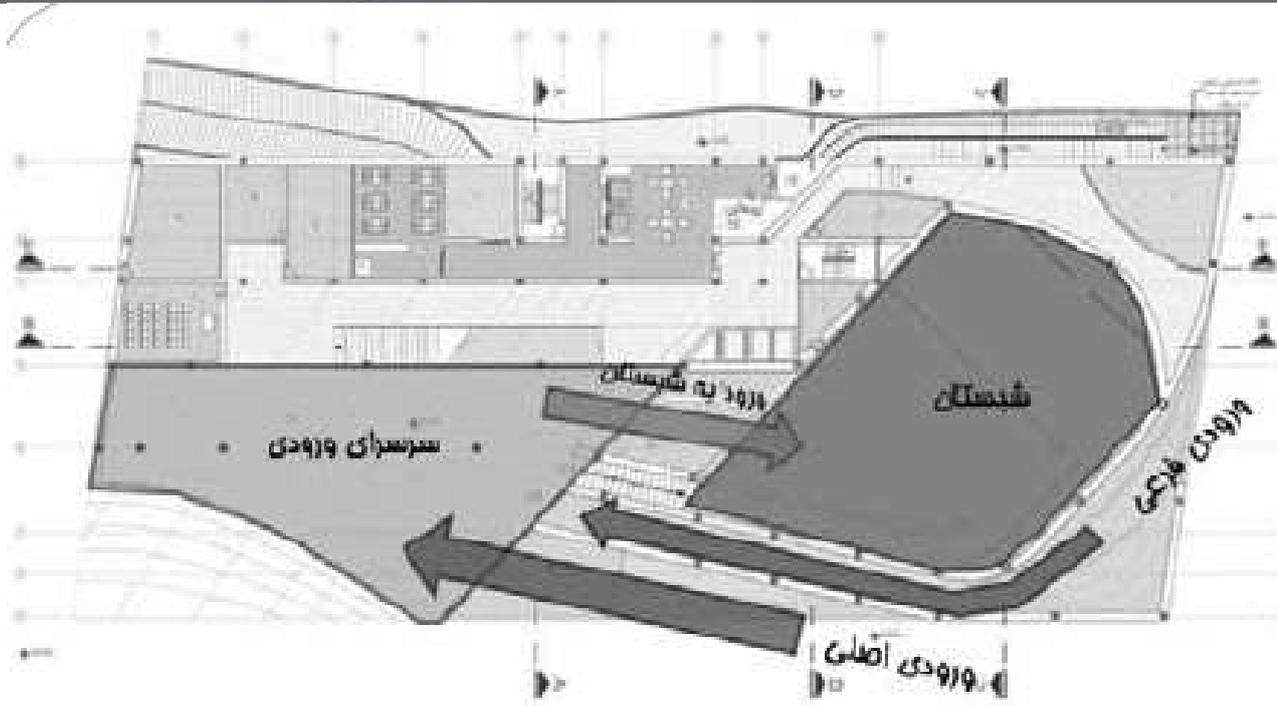
ویژگی های پروژه:

این مجموعه فرهنگی - مذهبی در ۷ طبقه طراحی شده که به ترتیب عبارت است از:
طبقه های منفی دو تا منفی چهار: با کاربری پارکینگ به ظرفیت ۱۶۸ دستگاه، انباری و فضاهای تأسیساتی
طبقه منفی یک: شامل آمفی تئاتر، سالن غذاخوری با ظرفیت ۵۴۵ نفر، گالری عکس، سرویس بهداشتی و آشپزخانه
طبقه همکف: شامل شبستان آقایان با گنجایش ۵۲۴ نفر، صحن و چند اتاق اداری - اقامتی
طبقه اول: دربرگیرنده کتابخانه آقایان و دو واحد اداری
طبقه دوم: شبستان و کتابخانه بانوان و اتاق تأسیسات را شامل می شود.



- سقف برزخوار
- سقف حواله‌دار
- شیبستان زینه
- شیبستان مردانه
- سالن گردهمایی
- پارکینگ
- سالن پذیرایی
- وضوخانه و سرویس
- خدمتخانه - تاسیساتی
- میهمانسرا
- فرستاده بانوان
- مخزن کتابخانه
- فرستاده آقایان
- بخش آموزشی
- آشیانه

دیاگرام تفکیک اجزا





امکانات پروژه:

سه دستگاه آسانسور کار جابه‌جایی را در این پروژه به انجام می‌رساند و سیستم سرمایشی - گرمایشی آن از نوع موتورخانه مرکزی است. پوشش نهایی سقف این مجتمع یک پوسته بتنی ۲۵ سانتی‌متری است که تاکنون نمونه آن در کشور اجرا نشده؛ مساحت این پوسته حدود ۴۲۰۰ مترمربع و دارای قوس‌هایی در دو جهت بوده؛ البته برای تأمین نور فضاهای داخلی بر روی پوسته سقف شیارهایی تعبیه شده و قوس‌هایی عمود بر قوس اصلی، پنجره‌هایی را در سطح نهایی ایجاد کرده است.

همچنین سطح زیرین بتن سقف یعنی سطح در تماس با قاب زیرین دارای پوشش نهایی از سمت داخل به صورت بتن اکسپوز بوده و بخشی از فضاهای عمومی طبقه دوم از قبیل راهرو و شبستان مردانه و زنانه را دربرمی‌گیرد. این پوسته در ضلع شمالی متکی بر یک شاه‌تیر فولادی به صورت قوسی است که به لحاظ شکل ظاهری، ابعاد، وزن، محل قرارگیری و روش نصب از ویژگی‌های منحصر به فرد پروژه به حساب می‌آید.

قسمت‌های میانی آن به ستون‌های اصلی سازه متصل شده و در تراز نهایی این ستون‌ها، سازه‌های صلیبی شکل با اتصال‌های خاص، موجب تأمین اتکای مناسب پوسته بر روی سازه اصلی می‌شود. برای هماهنگی هرچه بیشتر با معماری تاریخی تئاترشهر، نازک‌کاری نمای پروژه از نوع سیمان شسته و هماهنگ با رنگ نمای تئاترشهر است.



پرسپکتیو داخلی مسجد ولی عصر (عج)، شبستان زنانه



پرسپکتیو داخلی مسجد ولی عصر (عج)، شبستان مردانه



پرسپکتیو داخلی مسجد ولی عصر (عج)،

راهروهای ورود به شبستان

نقد معماری بنا:

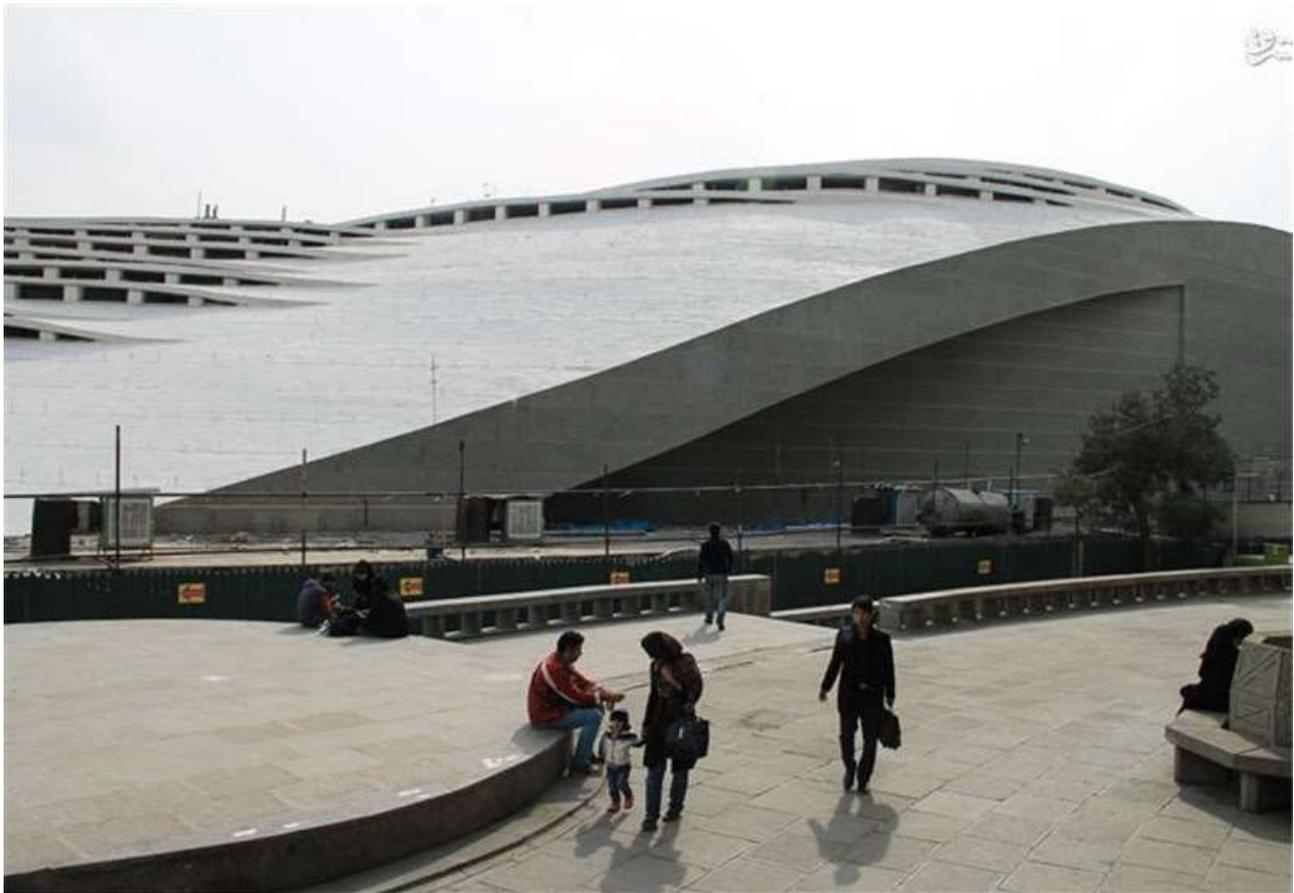
طرح مسجد ولیعصر، از جمله چالش برانگیزترین طرح‌های معماری بوده است و تاکنون نقدها و دیدگاه‌های بسیاری را متوجه خود کرده است.

در کنار نقد های صورت گرفته نقدی از جناب مهندس عبدالحمید نقره کار در مجله پژوهش‌های معماری اسلامی



درباره‌ی این طرح گرد آوری شده است.

در این نوشته، وی معتقد است: «طرح جدید بر اساس پیش‌فرض‌ها و مبانی غربی و غیراسلامی، پیش‌بینی و متأسفانه تبدیل به فرآیندی غیرقابل قبول و مغایر بدیهیات اولیه طراحی مسجد و اصول نظری و احکام عملی آن، طراحی و اجرا شده است.» و به طور مشروح، به ارزیابی و نقد این طرح می‌پردازد.



به گزارش گروه سایر رسانه‌های [خبرگزاری تسنیم](#)، مسجد ولیعصر (عج) سرگذشت پرفراز و نشیب و عبرت آموزی دارد و از آنجا که این مسجد، مصداق و نماد تهاجم عمیق معماری مدرن و استیلای آن در معماری دوره اخیر است، نقد آن واجد اهمیت است. پیش از این که مسجد ساخته شود، در طول عملیات پی‌ریزی و ستونگذاری مسجد نیز مشرق در قالب مطلبی با عنوان [«مسجدی که به پای تئاتر شهر ذبح شد»](#) به نقد آن پرداخت و از بدعتی در ساخت مسجد گفت که معماری آن تعارضی ذاتی با مسجد دارد. اما افاقه نکرد و افسوس که مدیران شهری، پس از ساخت کامل آن و رویت حجم فیزیکی و فضا‌های داخلی مسجد، از ساخت آن ابراز نارضایتی کردند و این روزها لزوم تغییر و اصلاح در فرم کالبدی آن را زمزمه می‌کنند.

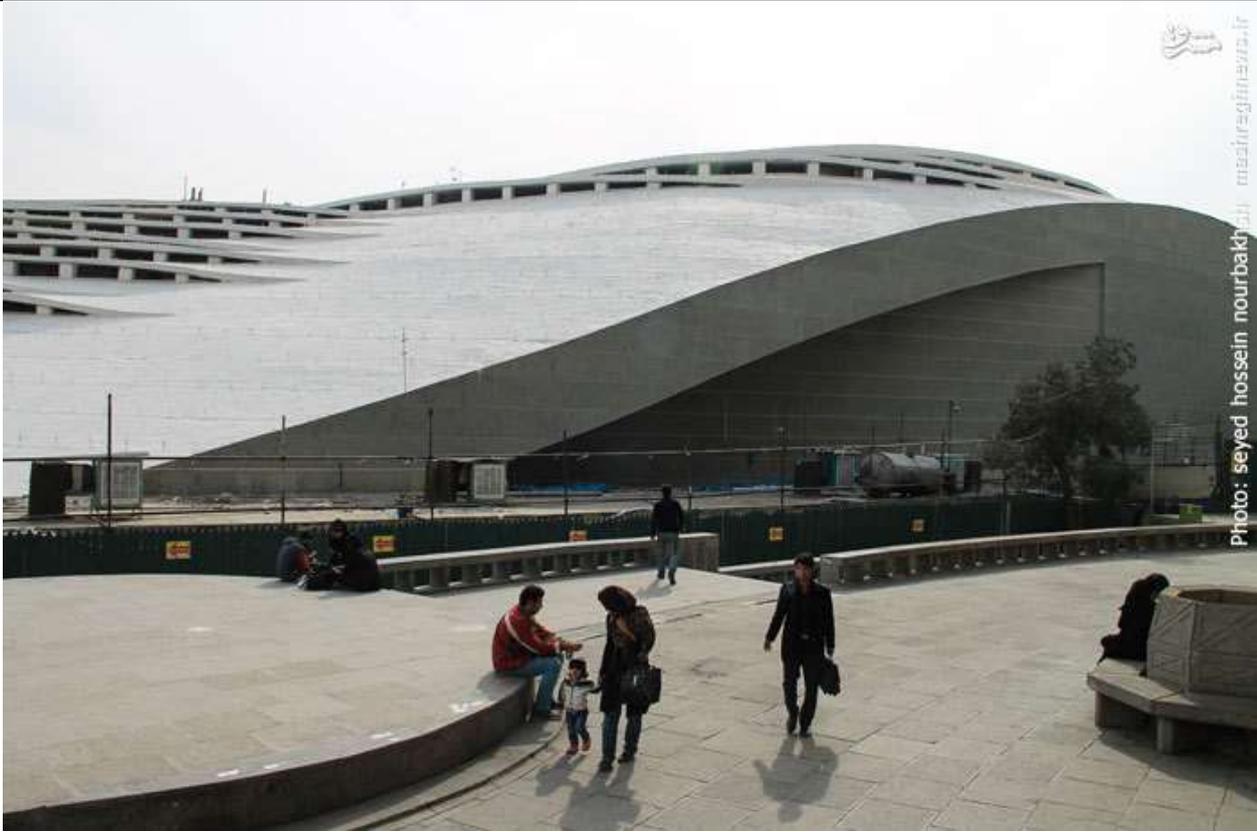


Photo: seyed hossein nourbakhshi: masireginewar.ir

در میان صاحب‌نظران، منتقدان و مدیران شهری، برخی بر تخریب کامل آن نظر می‌دادند و برخی دیگر نیز بر تغییر کاربری آن تاکید می‌کردند (که به دلیل وقف بودن زمین مسجد، این امکان وجود نداشت) عده‌ای دیگر نیز رویکردی مسامحه‌آمیز را اتخاذ می‌کردند و رای بر کشیدن پوسته‌ای تزیینی و الحاق و کولاژ گنبد و مناره به آن می‌دادند. به هر حال کار از کار گذشته بود و حالا مسجد که قرار بود سنگری باشد برای حفظ ایمان جامعه، این روزها خانه‌ای است که به تسخیر معماری مدرن درآمده است و محل مناقشه‌ای است که شاید تصمیم نهایی آن، زمان طولانی را بطلبد و پس از سرگذشتی ۳۳ ساله، بازهم در بلاتکلیفی بماند. شاید از اینروست که خودکرده را تدبیر نیست!

حکایت این مسجد از این قرار است که، در ضلع جنوبی پارک دانشجو زمینی به مساحت حدود ۵۰۰۰ متر مربع وجود داشت، مالکیت آن مورد اختلاف اهالی محل و شهرداری منطقه ۱۱ بوده و موقتاً به صورت پارکینگ مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت، بخشی از این زمین متعلق به مرحوم آقای مهندس مدد بود که وقف ساختن مسجد نموده بودند و اهالی محل با توجه به نداشتن مسجد محلی و ناهنجاریهای موجود در پارک فوق و اطراف تئاتر شهر، مصمم به ساختن مسجد در آن زمین بودند، اما شهرداری مایل به ساختن یک مجموعه تجاری و خدماتی بود.

از سال ۱۳۶۰، اهالی، ابتدا با برپا کردن یک چادر و سپس با مصالح بنائی و اسکلت فلزی یک مسجد موقتی ایجاد و به انجام مراسم مذهبی روزانه و سالیانه می‌پرداختند.



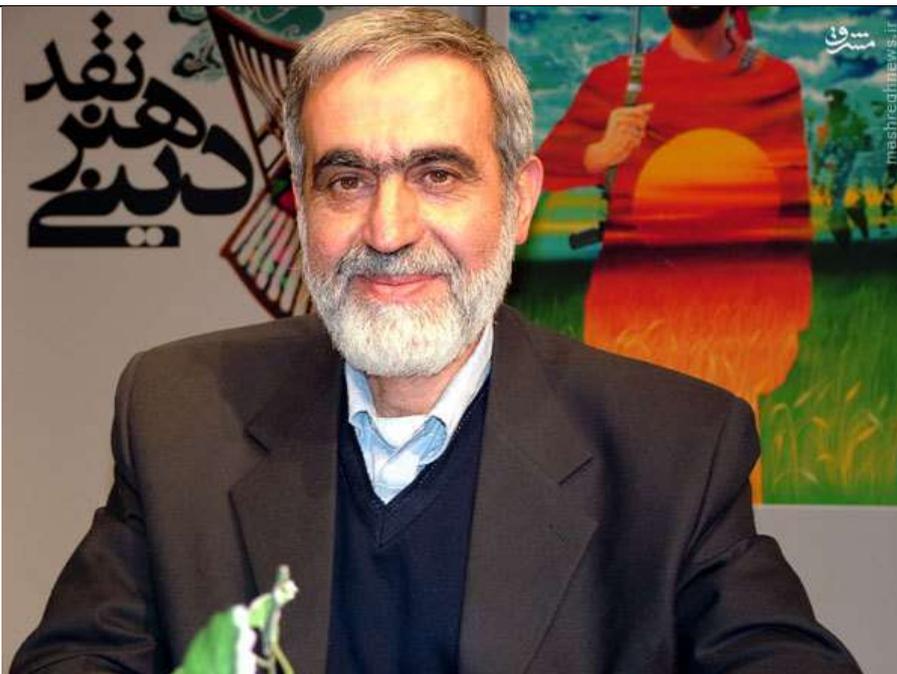
بعد از تلاش‌های مستمر اهالی و مراجعه مکرر به مسئولین کشوری، بالاخره در سال ۱۳۸۳، در زمان شهرداری محمود احمدی نژاد تصویب شد که در این محل یک مسجد و مجتمع فرهنگی دایر شود.



مشهد

Photo: seyed hosein noubakdash mashregnews.ir

طراحی اولیه این مسجد به مرکز تحقیقات معماری اسلامی، دانشگاه علم و صنعت ایران و مدیریت عبدالحمید نقره‌کار، که دارای سابقه طولانی در طراحی مراکز مذهبی و زیارتی است، سپرده شد و طراحی آن به تصویب رسید. اما به توصیه برخی معماران، به‌ناگاه مدیران تصمیم بر تغییر طرح می‌گیرند و بدون دعوت از نقره‌کار و همکارانش برای دفاع از طرح خود، طرح اولیه را محکوم کرده و آن را به شرکت مشاور حرکت سیال فرم، (رضا دانشمیر و کاترین اسپیری‌دونوف) می‌سپرنند. بعضی نیز در با رویکردی جنجالی و مغالطه آمیز، ناهماهنگی فرم بنا با تئاتر شهر را مطرح کرده بودند که در طرح اولیه اتفاقاً بیشترین هماهنگی را از نظر جداره و ارتفاع داشت و تنها مناره و گنبد آن از کد ارتفاعی تئاتر شهر بلندتر بود.

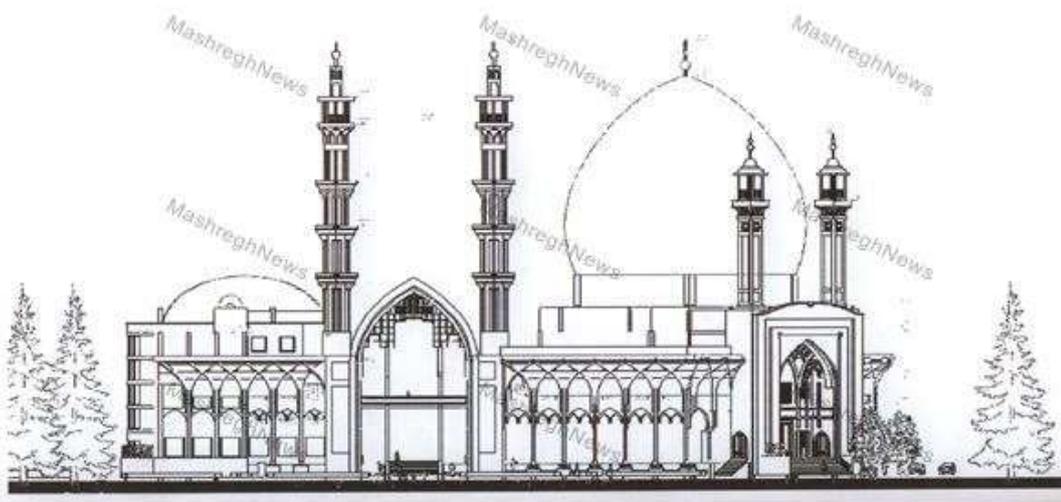


قرار بود عبدالحمید نقره‌کار که سابقه‌ای طولانی در طراحی اماکن مذهبی دارد، مسجد ولیعصر را طراحی کند، اما به ناگاه اتفاق دیگری افتاد

در زیر به مقایسه و نقد معماری دو طرح اولیه و ثانویه (اجرا شده) این مسجد پرداخته می‌شود.

تشریح طرح اولیه مسجد ولیعصر

مسجد ولیعصر

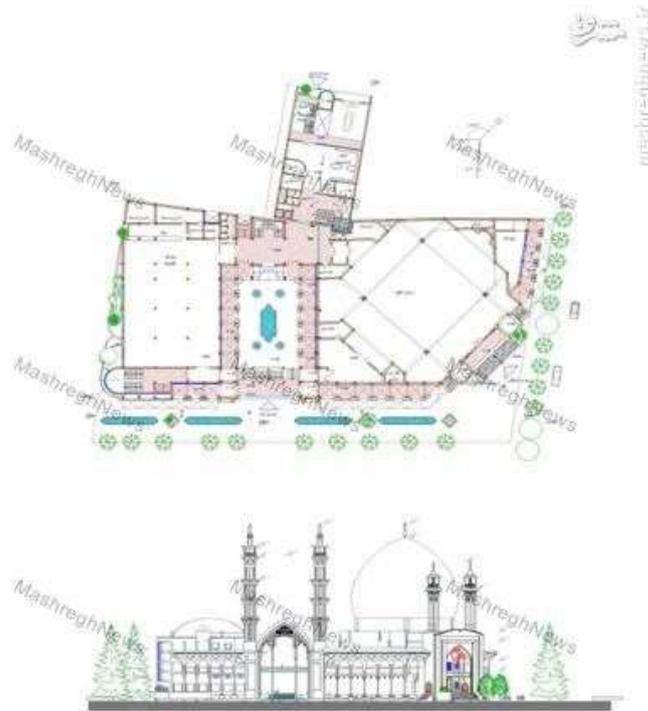


تصویر ۱ - نمای شمالی طرح قدیم مسجد به سمت پارک دانشجو و خیابان ولیعصر (عج)



تصویر ۲، نمایی سه بعدی از طرح اولیه مسجد
نمای خارجی مسجد هماهنگ با ساختمان تأثر شهر،
خیابان جنوبی برای فضای سبز پیش بینی شده است

از آنجا که در دو محور مهم شمالی - جنوبی تهران، یعنی خیابان ولیعصر (عج)، از میدان تجریش، تا میدان راه آهن و محور شرقی - غربی تهران، یعنی خیابان انقلاب، از میدان امام حسین (ع) تا میدان انقلاب، هیچگونه نماد مذهبی شاخص در شأن پایتخت جمهوری اسلامی ایران وجود نداشت و از سویی دیگر شهرداری در آن زمان مایل بود در غرب تهران و نزدیک نهاد ریاست جمهوری، مسجد و مجموعه فرهنگی در مقیاس یک مسجد جامع، برای برگزاری مراسم ملی داشته باشد، بنابراین مقیاس این مجموعه، در حد یک مسجد جامع و مجموعه فرهنگی مرکز شهری، تعیین و مصوب شد.



تصویر ۳، پلان و مقطع طرح اولیه مسجد

با توجه به برنامه مصوب و مکان‌یابی موجود به تشریح نقشه‌های ارائه شده طرح اولیه پرداخته می‌شود:

۱- برای هم‌آهنگی با ساختمان تأثر شهر، ارتفاع ساختمان مسجد تا زیر گنبدخانه آن، با ارتفاع تئاتر شهر مساوی گرفته شد و بدنه آن شبیه تئاتر شهر طراحی شد، تا این دو ساختمان با یکدیگر هم‌آهنگ و مکمل بوده و در مجموع وحدت داشته باشند.

۲- اکثریت قریب به اتفاق ساختمان‌های جنوبی زمین مسجد نیز، دارای هفت طبقه دیوار پشت کرده به ساختمان مسجد بود، بنابراین کم کردن ارتفاع عناصر نمادین مسجد، موجب بی‌توجهی به شأن اجتماعی مسجد و حفظ حرمت و حریم آن می‌گردید.

۳- از آنجا که از منظر اسلامی، مفهوم عبادت و عبادتگاه، مهمترین عنصر در فضای شهری محسوب می‌شود [1]، بنابراین به صورت بدیهی، سردر مسجد، مناره‌ها و گنبدخانه مسجد، باید در طراز بالاتری از تئاتر شهر قرار می‌گرفت و بدین صورت نیز طراحی شد.

۴- برای تداوم و گسترش پارک دانشجو، خیابان عریض ضلع شمالی زمین، در جهت توسعه پارک و فضای سبز پیش‌بینی و طراحی شد.

۵- حل بخشی از مشکل پارکینگ در منطقه فوق و به پیشنهاد مسئولین شهرداری، سه طبقه پارکینگ در زیرزمین

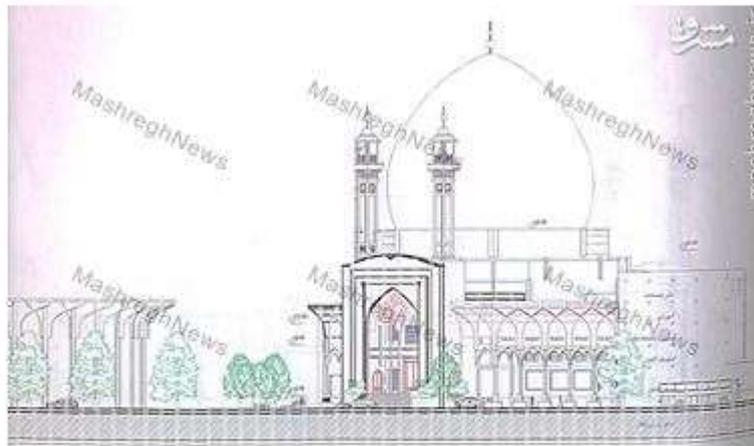


پیش بینی شد.

۶- در طبقه همکف، در غرب زمین و کنار خیابان ولیعصر(عج)، شبستان آقایان و بانوان در دو طبقه طراحی شد، تا از خیابان مزبور و خیابان انقلاب، ساختمان این مسجد به عنوان یک نماد برجسته و شاخص مذهبی تجلی بیرونی داشته و فضای ذکر معنوی و الهی برای اهالی و رهگذران ایجاد نماید.

۷- در قسمت شرق زمین و در کنار خیابان شرقی، مجموعه فرهنگی - خدماتی در چهار طبقه طراحی شد. طبقه همکف به صورت پیلوت با مبلمان آزاد و سیار، جهت برگزاری نمایشگاه های متنوع و در عین حال در مراسم خاص برای گسترش شبستان مسجد در نظر گرفته شد.

۸- در طبقه اول کتابخانه، در طبقه دوم کلاسهای آموزشی و در طبقه سوم سالن اجتماعات و مراسم، پیش بینی و طراحی شد.



تصویر ۱۴، مقطع از طرح اولیه مسجد
فقط سر درب و منارها و گنبد از نمای تأثر شهر بلندتر است
مأخذ: آرشیو شخصی نگارنده

۹- بین شبستان مسجد و مجموعه فرهنگی - خدماتی، حیاط نسبتاً بزرگی پیش بینی شد، این حیاط می تواند مزاحمت های همجواری را، میان فضای مسجد و فضاهای فرهنگی - خدماتی به حداقل ممکن برساند و در عین حال ضمن گسترش فضای سبز پارک دانشجو، با ایجاد سر درب ورودی جذاب و با شکوه پیوند مطلوب و مناسبی، بین این مجموعه و پارک فراهم نماید.

۱۰- در طبقه منهای یک در زیر شبستان مسجد، فضای مناسبی برای فعالیتهای بسیج محلی و در زیر مجموعه فرهنگی - خدماتی و حیاط، سالن پذیرائی و آشپزخانه، چند واحد تجاری، وضوء خانه و سرویسهای بهداشتی



طراحی شده بود.

۱۱- در جهت سهولت رفت و آمد ماشین ها به پارکینگ و ایجاد واحدهای اداری و تحقیقاتی، مصوب شد یک قطعه خانه دو طبقه متروک، واقع در ضلع جنوبی زمین، که به خیابان جنوبی مجموعه نیز دسترسی داشت، خریداری و برای ورودی و خروجی طبقات پارکینگ و ورودی قسمت اداری، تحقیقاتی و خدماتی از آن بهره برداری شود. ضمن آنکه ارتباط مضاعف و مناسبی با شبستانهای مسجد و مجموعه فرهنگی - خدماتی و حیاط مسجد نیز برقرار مینمود.

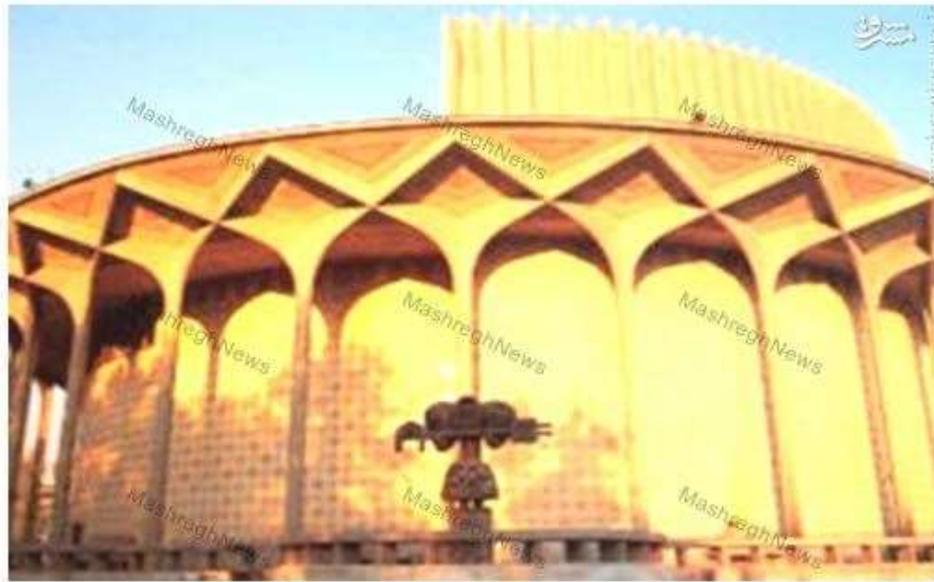
۱۲- برای شبستانهای مسجد سه ورودی پیش بینی شده بود، یک ورودی شاخص و معظم به سمت خیابان ولیعصر(عج)، یک ورودی عمومی در کنار حیاط مسجد، به سمت پارک و خیابانهای اطراف و یک ورودی خدماتی در کنار قسمت اداری و سایر خدمات فرهنگی و هنری.

۱۳- عملیات خاکبرداری و اجرائی مسجد، مطابق نقشه‌های ارائه شده، در اکثر قسمت‌ها تا طبقه همکف ادامه یافت، با این تفاوت که به دلیل اهمال شهرداری در خرید زمین جنوبی، بالاجبار قسمت اداری و تحقیقاتی مجموعه حذف و ورودی پارکینگ علی رغم توصیه‌ها و تذکرات مکرر این مشاور به خیابان شرقی منتقل شد.

در این مرحله و پس از تغییر شهردار تهران، کارفرما برای تسویه حساب به مشاور ابلاغ نمود، که عبدالحمید نقره‌کار و همکارانش نظارت ساختمان را بعهدہ بگیرد، اما در همان اثنا، به صورت نسبتاً محرمانه و بدون دعوت از نقره‌کار و همکارانش برای تشریح ایده‌ها و دفاع از اصول طراحی‌های انجام شده، غیباً طراحی انجام شده و کار نیمه‌کاره، محکوم گردیده و کار به مشاور دیگری (حرکت سیال فرم) که فاقد هرگونه سابقه در طراحی مراکز مذهبی است سپرده شد.



طرح دوم:



تصویر ۵: تصویری از دید ناظر به ساختمان تأثر شهر
مأخذ: www.teatreshahr.com

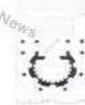
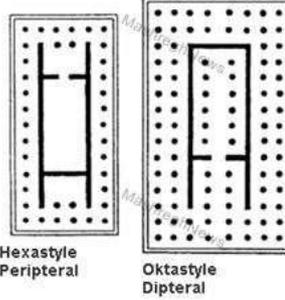
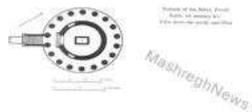
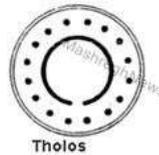
ارزیابی اصول ارائه شده در طرح جدید مسجد ولیعصر (عج):

طرح جدید براساس پیش‌فرض‌ها و مبانی غربی و غیراسلامی، پیش‌بینی و متأسفانه تبدیل به فرآیندی غیرقابل قبول و مغایر بدیهیات اولیه طراحی مسجد و اصول نظری و احکام عملی آن طراحی و اجراء شده است که به چند نکته آن اشاره می‌نمائیم.

ابتداء فرض شده است که ساختمان تئاتر شهر یک اثر تاریخی و میراث فرهنگی است و باید شأن تاریخی و فرهنگی آن حفظ و تا فاصله‌ای دور حریم آن حفظ شود.

اولاً تئاتر شهر، یک اثر تاریخی نیست و در سال ۱۳۴۶ یعنی فقط یازده سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و توسط علی سردارافخمی طراحی و با حمایت فرح پهلوی ساخته شده است و با چنین سابقه زمانی، یک ساختمان، اثر تاریخی محسوب نمی‌شود و نمی‌تواند در فهرست بناهای تاریخی بگنجد. این ساختمان صرفاً یک بنای معاصر است.

دوم، این ساختمان اگر چه زیبایی و کاربری قابل احترام و فرم دلنشینی دارد، اما یک میراث فرهنگی نیست، زیرا این ساختمان از نظر سبک، متعلق به دوران فرانوگرایی غربی است و از الگوی معابد یونانی و رومی تقلید نموده است و هیچ شباهتی با آثار ساخته شده در تمدن ایرانی، چه قبل از اسلام و چه بعد از آن ندارد.



تصویر ۶: نمونه هایی از تشابه کالبدی و فرمال بین ساختمان تأثر شهر و آثار معماری غربی

قوس‌های متقاطع و خارجی بنای تئاتر شهر، عناصری کاذب هستند، که در زیر سقف کنسول شده آن به سمت بیرون خم شده و نصب گردیده‌اند، تکرار چرخش این قوس‌ها، ساختمان را کاملاً برونگرا و تندیس گونه نموده است.



در معماری ایرانی دوران اسلامی، ساختمان‌ها کاملاً درون‌گرا هستند و صورت بیرونی بنا، لباسی است بر تن فضاهای داخلی ساختمان، یعنی به انسان و محل حضور و بهره‌برداری انسانها اصالت داده می‌شود نه به کالبد بنا و نمای ساختمان به صورت خود بنیاد؛ لذا برونگرایی در ساختمان‌سازی، نوعی صورت‌پرستی و بت‌سازی تلقی می‌شود.

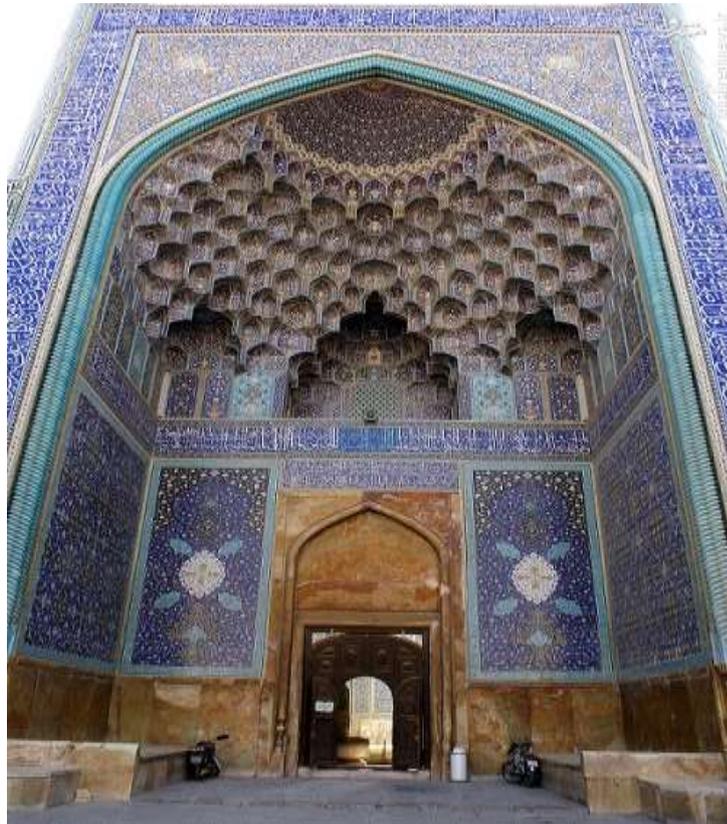
در این نوع از الگوهای غربی، به ورودی انسان‌ها، توجه خاصی نمیشود و عملاً انسانها را در مقابل ساختمان منفعل و تماشاچی می‌نماید. در سنت اسلامی و در مجموعه بیت‌الاحرام، دو نماد معمارانه مثبت و منفی ارائه شده است، نماد مثبت خانه کعبه است که دارای حجمی منظم، وحدت بخش، درونگرا، سکون آفرین و مناسب حضور انسان در



فضائی آرامش بخش، تفکر برانگیز، تمرکز آفرین، برای حضور قلب و عبادت است.

در نقطه مقابل، نمادهای منفی یعنی بت‌واره‌های سه‌گانه هستند (جمرات)، که احجامی توپر، برون‌گرا، متکثر و مجسمه‌گونه می‌باشند، در این نوع ساختمان، اصالت به کالبد بنا داده شده و ساختمان به جای وسیله خود هدف می‌شود به همین دلیل آنرا نماد تجلی شیطان بر حضرت ابراهیم(ع) قرار داده‌اند، زیرا شیطان آنچه را که مادی و زمینی است تزئین می‌کند و انسانها را فریب می‌دهد [2]، به همین دلیل در مراسم حج تمتع، حاجیان از وقفگاه مشعر (محل شعور و بصیرت)، باید سنگ‌هایی بردارند و بر نمادهای فریبنده‌ای، که مزاحم تکامل انسان و انجام فرائض الهی هستند، پرتاب نمایند. در این سنت الهی، برخلاف رویکردی در معماری غربی (یعنی فرمالیسم) خود معمار بت و معماری بت‌سازی تلقی نمی‌شود، بلکه معمار و معماری هر دو وسایلی در جهت تأمین نیازهای مادی و بستر ساز نیازهای روحی انسانها می‌شوند.

سوم، در معماری ایران دوران اسلامی، مهمترین عنصر خارجی بنا، درب ورودی آن است، که همچون طاق نصرتی سر برآورده و پر گشوده، نهایت تواضع و مهمان‌پذیری را برای ورود انسانها به داخل بنا، به نمایش می‌گذارند، اصالت را به انسانهای مخاطب و به فضای درونی ساختمان میدهند که محل بهره‌وری مخاطبین اصلی بنا است.



چهارم، در سنت و تمدن غربی است که ساختمان‌های مذهبی، اعم از معابد و کلیساها، کالبد خود را از بافت اطراف جدا نموده و با اشکالی که در یک محور و یا دو محور، قرینه می‌باشند، مانند مجسمه‌هایی، خود را به نمایش



می گذارند.

با این پیش فرضِ غرب‌گرایانه است که طراح جدید مسجد تصور می‌نماید باید اطراف ساختمان تئاتر شهر را (که در دوران مدرن جای عبادتگاه را اشغال نموده است) پاک‌سازی نمود، و با این پیش فرض مقلدانه، سر ساختمان مسجد را قطع می‌نماید و می‌گوید کات! (cut)، تا این ساختمان مانند مجسمه‌ای خود بنیاد و بت‌واره، مورد نگاه از بیرون قرار گیرد و تماشاچیان را مسحور خود کند.



بخش قطع شده مسجد و نمایان شدن تئاتر شهر و فرود مسجد در مقابل آن مشخص است

اما در سنت و تمدن دوران اسلامی، ساختمان‌های اجتماعی و مذهبی، خود را از بافت اطراف جدا نمی‌کنند و با کمترین مزاحمت‌های همجواری، (به دلیل داشتن فضاهای باز داخلی)، هم آهنگ با هم بوده و مکمل یکدیگر می‌شوند. شاعر معاصر، سهراب سپهری به جذابیت این موضوع اشاره می‌کند- با مضمون بازارهای گرم مسلمان- این گرم، جذابیت و گیرائی به دلیل هم آهنگی و ترکیب با شکوه ساختمانهای اجتماعی، در کنار یکدیگر و مکمل یکدیگر است.

بنابراین، پیش فرض مطرح شده در مورد حذف سر و آستانه طرح قبلی (گنبد، منارها و سردرب‌ها) و سربه خاک سپردن آن در طرح جدید، پیش فرض غرب‌گرایانه، صورت پرستانه و با نگرش بت‌گونه به معماری و ساختمان است. این نگرش قطعاً مغایر دیدگاه اسلامی است، که همه چیز را برای تکامل انسان می‌خواهد. در این نگرش ساختمان وسیله است و نه هدف، معماری آبادکردن محیط زیست انسانها است، نه بت‌سازی و جلوه‌فروشی معمار و



معماری.



پنجم، پیش فرض اشتباه دیگر، ایجاد تصور مغالطه‌انگیزی است درباره مرتفع دانستن ارتفاع طرح قبلی مسجد. در طرح اولیه، همانگونه که اشاره شد، ارتفاع بدنه ساختمان مسجد، هم ارتفاع بدنه خارجی تأثر شهر بوده و از نظر نمای خارجی نیز هم آهنگ با آن می‌باشد، عناصر معدودی از ساختمان، نظیر گنبد اصلی، منارها و سردر مسجد که با فاصله بعدی از ساختمان تأثر شهر، می‌باشد به میزان لازم و به عنوان یک نماد شهری و مذهبی، افزوده شده‌اند، تا مبتنی بر سنت اسلامی، عظمت و اولویت فضای عبادی مسجد نسبت به ساختمان‌های هفت طبقه مسکونی در اطراف آن و ساختمان تأثر، حفظ شود. نه بالعکس ساختمان‌های مسکونی و تأثر نسبت به مسجد اولویت یافته و برجسته‌تر شوند. به این نکته خداوند در سوره نور آیه ۳۶ اشاره می‌فرمایند: «فِي بُيُوتِ الَّذِينَ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»، در خانه‌هایی (مساجد و زیارتگاه‌ها) خداوند رخصت داده است که آنجا رفعت یابد و در آن ذکر نام خدا شود و صبح و شام، تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند.

برخی از اشکالات طرح جدید:

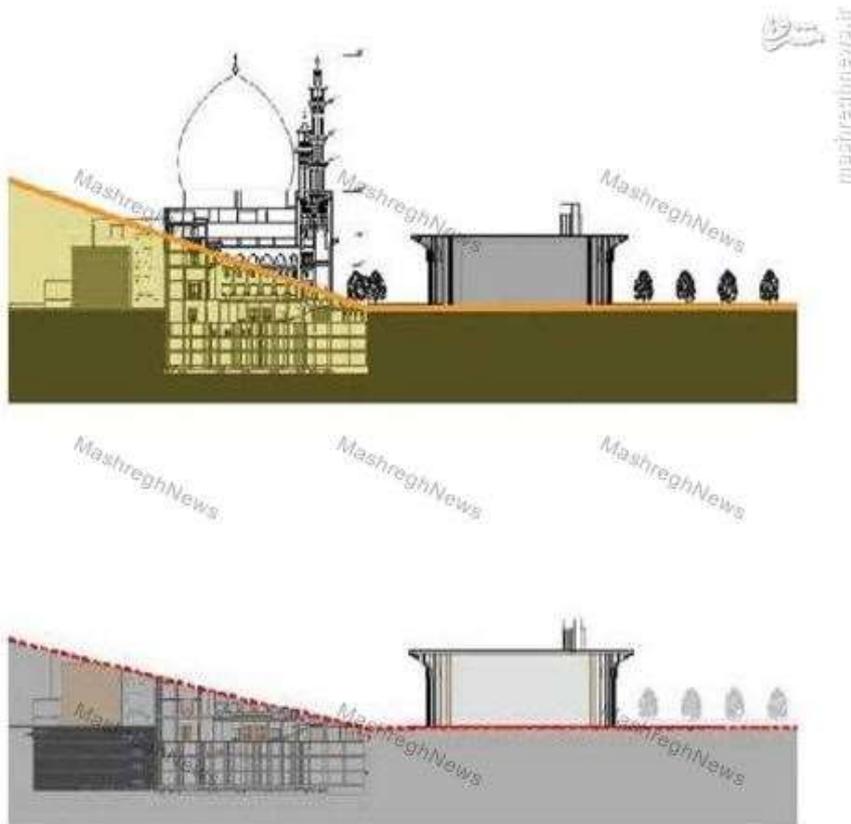
پیش فرض های منحرف و مغالطه آمیز قبلی، باعث شده است، طرح جدید (موجود) دارای اشکالات اساسی، بنیانی و غیر قابل اغماض باشد، که به برخی از بدیهیات آن اشاره می‌گردد:

۱- در سنت صنفی و اخلاق حرفه ای، هیچ معماری بدون فرصت دفاع و اطلاع از راهبردهای معمار اولیه، به خود اجازه ورود و دخالت در کار دیگری را نمی‌دهد، متأسفانه در این کار، کارفرما، کارشناسان کارفرما و معمار جدید، با



زیر پا نهادن ارزش‌های اخلاقی و حرفه‌ای، بدون اطلاع معمار اولیه، به صورت محرمانه، کاری مغایر اخلاق حرفه‌ای انجام داده‌اند.

۲- در سنت اسلامی، چه از نظر محتوایی و چه از بعد کالبدی، هر کس مجاز به طراحی و ساختمان مسجد نیست، از نظر محتوایی، قرآن و احادیث معتبر به این نکته اشاره می‌نمایند [3] و از نظر کالبدی نیز، ایده‌های فضائی - هندسی - نمادها و آرایه‌ها و احکام مسجدسازی، دارای اصول و قواعد نظری و عملی است که بدون آشنایی و تجربه قبلی، کسی قادر به طراحی آن به صورت مطلوب نیست [4]. در این مورد، با توجه به سوابق و تجربیات معمار جدید، ارتباط ایشان با مفهوم عبادت اسلامی و تجربه مسجد سازی، در کارنامه نظری و عملی ایشان ملاحظه نمی‌شود و انتخاب ایشان برای این کار، نه توجیه فرهنگی و منطقی دارد و نه توجیه علمی و تجربی. این اشکال به انتخاب کنندگان این معمار وارد است و نه خود معمار!



تصویر ۱۷، در طرح جدید، در مقابل بت تأثر شهر، سر مسجد را قطع نموده‌اند
مأخذ: Fluid Motion Architects، (۲۰۰۸-۲۰۱۲)

۳- معمار جدید در تحلیل مقطع شمالی - جنوبی تأثر شهر و طرح قبلی، با پیش فرض غلط بت گونه پنداشتن ساختمان تأثر شهر و حذف هر گونه ساختمان مکمل در اطراف آن، خطی مایل از زمین به سمت بدنه طرح قبلی مسجد می‌کشد و می‌گوید: cut (کات)، یعنی هر عنصری که بالای این خط است، باید بریده شود، (با این پیش فرض سر و دست‌های برافراشته مسجد را مانند گیوتین قطع می‌نماید) و سبک کار خود را عجولانه می‌یابد و



می‌گوید «سبک لنداسکیپ»، یعنی همه چیز در امتداد زمین یا زیرزمین باید قرار گیرد. چرا؟ چون ساختمان تئاتر، باید استیلا و سلطه بلامنازع بر همه عناصر اطراف خود داشته باشد، با این پیش فرض غلط، ساختمان جدید مسجد، بر اساس حیثیت و شأن درونی و حقیقی خودش طراحی نمی‌شود، بلکه مبتنی بر شأن اعتباری، فرضی در کالبد بیرونی تئاتر و به سمت آن، سر خود را بر زمین می‌گذرد و سجد می‌کند و سر ساختمان به زمین می‌چسبد.

در صورتیکه، در هستی‌شناسی اسلامی و در هنر و معماری آفرینش، اولاً هر ذره، سلول و هر عنصری، ضمن حفظ جایگاه، شأن و هویت مستقل خود، با سایر عناصر، تعامل تکاملی و مکمل برقرار می‌کند و بر این اساس نظامی احسن و پایدار برقرار می‌شود و سیر از کثرت به وحدت، از ظاهر به باطن، از زمین به آسمان، از صورت به معنا، از دنیا به آخرت که مهمترین اصل در آفرینش هستی و در فلسفه هنر و معماری و شهرسازی دوران اسلامی است، تحقق می‌یابد.



ضمن آنکه مسجد، محل اقامه نماز است و خدواند خانه خود را، محل قیام انسان‌ها (جعل الله الکعبه قیاماً للناس) قرار داده است و در سنت اصیل و ارزشمند ما، همه ساختمانها از زمین قیام نموده اند و در آسمان شکفته می‌شوند، به خصوص ساختمانهای مذهبی و زیارتی. مانند پیکر خود انسان، که کف پای او بر زمین قرار می‌گیرد، بدن از زمین قیام می‌کند و سر انسان در آسمان، شکوفا می‌شود.

۴- طراحی مسجد جدید، در مجموع دارای هندسه‌ای سیال و موجی است، هندسه‌های سیال و موجی تقلیدی است از هندسه‌های موجود در دامنه تپه‌ها، چراگاه‌ها و جنگل‌ها. این نوع هندسه، که فاقد محور و مرکز و سکون می‌باشد،



مناسب ترین هندسه برای حواس پنج گانه و ادراکات حسی - غریزی و حیوانی انسانها و مناسب سیر در آفاق و عملکردهای مادی مانند راه‌های عبوری و پارک‌ها در فضای شهری است. در نقطه مقابل هندسه های درونگرا، نظیر خانه کعبه، که قبله‌گاه مسلمین و سلول بنیادی در طراحی مساجد است دارای محور و مرکز، آنهم با مرکزیت خالی (نقطه پایه پرگار) می‌باشد، این مرکز با حضور انسان و عملکرد اختیاری و آگاهانه‌ها در فضای معماری، معنای اصیل خود را باز می‌یابد، این نوع هندسه مناسب ترین ایده‌های فضایی هندسی، برای عملکرد دعا و نیایش، تفکر، حضور قلب و سیر در انفس انسان‌ها یعنی عملکرد اصلی شبستان‌های مساجد (اقامه نماز و شنیدن سخنرانی) است.



تصویر ۸- به کارگیری هندسه نامناسب سیر در آفاق، سیال و موجی در پلان و سه بعدی طرح جدید مسجد

به جای هندسه مناسب انفس یعنی دارای محور و مرکز که مناسب اقامه نماز و شنیدن سخنرانی است

مأخذ: Fluid Motion Architects, (۲۰۰۸-۲۰۱۲)

پویایی فیزیکی و هندسی، مناسب سیر در عالم ماده و غرایز حیوانی است، پویایی معنوی و روحانی انسان، با سکون و سکوت فیزیکی و هندسی آغاز می‌شود که به مفهوم (فنا در بقا) در ادبیات عرفانی و مذهبی ما مطرح می‌شود، این نوع هندسه، مقدمه تفکر، حضور قلب و نیایش است. در سنت اصیل معماری و شهرسازی دوران اسلامی، فقط راه‌ها و فضاهای عبوری دارای هندسه‌ای سیال، موج و سیر در آفاق هستند. سایر عملکردها و به طور خاص فضاهای مذهبی و فرهنگی نظیر شبستان‌های مساجد، کاملاً درونگرا، دارای محورهای متقارن و تمرکز آفرین می‌باشند. به کار بردن هندسه سیال و سرگردان، آن‌هم در شبستان مسجد، یعنی حیوان پنداشتن انسان و طراحی چراگاه به جای نیایشگاه.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: مهم‌ترین اصل حاکم بر هنر معماری آفرینش را اصل عدالت، یعنی قرار دادن هر چیز در جای مناسب خود، مطرح می‌نماید [5]. یعنی در معماری آفرینش، زمین هندسه مناسب خود و گیاهان، حیوانات و پیکر انسان‌ها نیز، هندسه مناسب، عالمانه و با معنای خود را دارند؛ صورت‌ها و ظاهر عناصر طبیعی، پوچ، بی هدف و غایت نیستند، ظاهرها تجلی و نشانه باطن‌ها هستند.



۵- طراحی یک ورودی حلزونی، سربسته، تاریک، خود پنهان، شبیه لانه‌ی حیوانات موزی و مضر برای یک مسجد، واقعاً از عمق بی خبری، از خود بیگانگی و بازیگری (کار لهو) و پوچی (کار لغو) آن حکایت می‌کند.



تصویر ۹، ورودی دهلیز مانند، تنگ و تاریک و کالبد بی هویت و صلب در طرح جدید مسجد

مأخذ: Fluid Motion Architects, (۲۰۰۸-۲۰۱۲)

در سنت معماری و شهرسازی اصیل دوران اسلامی، برجسته‌ترین و شاخص‌ترین نمای خارجی مسجد، ورودی‌های آنها است، زیرا ساختمان برای ورود انسان است و باید جذاب، باشکوه و میهمان پذیر باشد، در معماری دوران اسلامی، ورودی‌های مساجد، مانند طاق نصرتی از، نمازگزاران استقبال می‌کنند و با حفظ حریم خود از فضای بیرون، با وضوح، استحکام، آرامش و امنیت، مؤمنین را به فضاهای داخلی دعوت می‌نمایند (نمونه‌ای از این نوع ورودی در تصویر شماره ۱۰ قابل مشاهده می‌باشد).



تصویر ۱۰، سر درب ورودی مسجد امام- اصفهان
(طاق نصرتی برای ورود نیایش‌گران)



۶- با بررسی آنچه از نمای بیرونی ساختمان و نقشه‌های موجود، دریافت می‌شود، کوچکترین نمادی، آریه‌ای، عنصری که مشخص نماید این کالبد به چه منظوری ساخته شده است، قابل مشاهده نیست. گوئی در شهر انسان‌های گنگ، بی‌خبر، بی‌معنا و هدف، بدون جهت و غایت، در عالمی بی‌جهت پرسه می‌زنی. انحنائی که در سقف، جای گنبد نشسته است، به جای عمامه مسلمانان که سر انسان را برجسته و شاخص می‌نماید، شبیه کلاه بسیار کوچکی است، که یهودیان در پشت سرهای خود سنجاق می‌کنند.



مستوفی

Photo: seyed hossein nourbakhsh

در معماری اصیل دوران اسلامی، کالبد خارجی هر ساختمان، تجلی عملکرد انسانی و درونی آن است، شهر گفتمان و تعاملی صادقانه، صمیمانه، روشن، با معنا و شعور با انسانها برقرار می‌کند، ساختمانها، نقاب بر چهره ندارند، مجموع ساختمان‌های یک شهر، همچون هنر و معماری آفرینش، همه عناصر آن آیه و نشانه هویت درونی خود و هویت نظام احسن، تکاملی، وحدت بخش و غایت مدار هستند. معماری و شهرسازی دوران اسلامی مانند معماری آفرینش نه تنها نیازهای مادی (حسی - غریزی) انسانها را تأمین می‌نماید، بلکه رشد معنوی و روحی انسانها را نیز، با هنر معناگرای خود، بسترسازی می‌کند. به طور مثال گنبد نماد وحدت، درونگرایی، سیر در انفس و خودسازی در مفهوم عبادت اسلامی است و مناره‌های سر برآورده، با هندسه دایره خود، نماد برونگرایی، دعوت از همه مخاطبین و نماد جامعه سازی در مفهوم عبادت از منظر اسلامی است.

۷- پیکر خارجی بنا، سنگین، بسته، خاموش، غریب و شبیه نهنگ به گل نشسته و فاقد حیات است، این ساختمان بر خلاف سنت معماری و شهرسازی دوران اسلامی، نه تنها هیچگونه تعامل هم‌افزا و مکمل با ساختمان تئاتر شهر و سایر ساختمانها و به خصوص محیط طبیعی و سرسبز پارک ایجاد نمی‌نماید، بلکه عنصری اضافی، مزاحم، بیگانه و متروک به نظر می‌رسد که باید آنرا حذف نمود (نکته اینکه طرح قبلی برای هماهنگی بیشتر با تئاتر شهر و پارک دانشجو، براندازی شد).

مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، خانه های خدا و خانه های قیام معنوی و روحانی انسانها هستند و باید تجلی گاه اسماء و صفات جمال و جلال الهی باشند. مساجد دوران اسلامی، همچون قلبی طپنده، مادری مهربان، پدري با عظمت، همه اجزاء و عناصر معماری شهر را در آغوش می‌گیرند و پناهگاه جذاب و امن انسانها می‌شوند. نه عنصری



مطرود، سر بسته، خودکامه و جسدی در خود غرق شده.



تصویر ۱۱، حجم خارجی طرح جدید مسجد
(بیکری است نا مانوس و غریبه، جدا شده از
بافت و تحمیل شده به آن)

۸- آنچه از نقشه‌های موجود و قابل دسترس می‌توان دریافت، نشان می‌دهد که طرح ارائه شده فاقد بهره‌برداری از تجربیات عظیم معماری دوران اسلامی ایران است. معماری سنتی ما، هماهنگ با شرایط محیطی و اقلیمی است، در حالی که طرح جدید فاقد پیش‌بینی تهویه‌های مطبوع و طبیعی (شمالی-جنوبی) و از کف به سقف و فاقد بهره‌برداری کافی از نور طبیعی و مناسب است، در مجموع فضاهای عملکردی و نیز سازه بنا، با حجم و کالبد بنا هم‌آهنگ و هم‌آوا نیستند و بر یکدیگر تحمیل شده‌اند و نیازها و عملکردهای متنوع و ضروری یک مسجد مرکز شهری، تأمین نشده است؛ ساختمانی است بسیار پرهزینه در ایجاد و نگهداری و بهره‌برداری، از نظر دستاوردهای جدید جهانی در علوم تجربی و مهندسی ساختمان در زمان معاصر، یعنی معیارهای مهندسی ارزش و معماری پایدار، این ساختمان کاملاً غیرعلمی، غیرمهندسی، بسیار پرهزینه و فاقد ارزش‌های پایدار در معماری و در ارتباط با محیط شهری و محیط زیست است.

دلایل ایجاد این نوع ضایعه‌های تأسفبار در بعضی از ساختمان‌های ملی و دولتی:

۱ - تغییر غیرعلمی و غیرمنطقی امور با تغییر مدیران:

رقابت غیراخلاقی مدیران و مسؤولین اداری، اجرایی دولتی با برنامه و کارهای مدیران قبلی، بدون رعایت مصالح اجتماعی و بیت‌المال و بدون رعایت حقوق مادی و معنوی مهندسان مشاور و بر خورد با آنها از مواضع غیر علمی و



غیرحقوقی و قدرتمندانه، باعث تصمیمات زیانبار و تلف کردن نیروها و امکانات شده و می‌شود.

۲- تقلید برخی از کارگزاران آموزشی و پژوهشی از فرهنگ و تمدن انحرافی غرب:

آنچنانکه طراح جدید مسجد می‌گوید، یکی از اساتید دانشگاه و مسئولین با سابقه میراث فرهنگی، به مدت ۷ ماه به ایشان مشورت داده و در نهایت کار ایشان را تأیید نموده است. به نظر میرسد مشکل اساسی از فضاهای آموزشی و پژوهشی آغاز می‌شود، رویکرد ترجمه‌ای، خودباختگی و تقلید از فرهنگ غربی در روش‌ها و محتواهای درسی مشکل اصلی است.



با کمال تأسف باید گفت بعضی از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها دچار جهل مرکب شده‌اند، نه فرهنگ معاصر غرب و رویکردهای انحرافی آن را درست می‌شناسند و نه فرهنگ عمیق اسلامی را (و نه می‌دانند که نمی‌دانند). بحث تحول و ارتقاء علوم انسانی مطرح شده از طرف مقام معظم رهبری را، به خصوص در مباحث میان دانشی نظیر رشته‌های هنری، معماری و شهرسازی، باید بسیار جدی گرفت و با اصلاح سرفصل دروس، ایجاد منابع و محتواهای درسی، مبتنی بر فرهنگ اصیل اسلامی و برگزاری کارگاه‌های دانش‌افزایی، رویکرد ترجمه و تقلید از فرهنگ و تمدن انحرافی غرب را به صورت بنیادی از مراکز آموزشی و پژوهشی، دگرگون کرد. فاجعه از اینجا آغاز می‌شود که مسئولین مربوطه، دو واحد درسی "حکمت هنر اسلامی" را که می‌توانست مبنای تحول سایر دروس باشد، از درس اصلی به درس اختیاری تبدیل نموده‌اند و عملاً باعث حذف این درس بنیادی و نظری شده‌اند و در بعد عملی نیز



اکثر دانشکده ها، حتی طراحی یک مسجد یا فضای مذهبی زیارتی را به دانشجویان ارائه نمی نمایند. باید حکمت نظری و حکمت عملی اسلام را در محتوای دروس و روش های طراحی جاری ساخت و بر اساس آن ها فرایندهای معماری و شهرسازی را ارزیابی نمود.

۲- سپردن مدیریت ها به افراد غیرمتخصص و غیرمتعهد.

شهرداری تهران، برای توسعه و اجرای ساختمان های فرهنگی و هنری، شرکتی را ایجاد نموده که معلوم نیست خصوصی است یا دولتی، در این نوع شرکتها معلوم نیست بر اساس چه ضابطه و قانونی افراد انتخاب میشوند و حقوق و مزایا می گیرند، کارها براساس چه معیاری به کدام مهندسان مشاور و پیمانکاران سپرده می شود...؛ بدیهی است در چنین فضایی، احتمال هر نوع سوء استفاده و سوء مدیریت و ضرر و زیان به بیت المال، قابل پیش بینی است.



ضمن آنکه تنها تخصص مدیر آن مجموعه صرفاً در تجربه سفرهای خارجی خلاصه می شود. بیان واقعیت فوق، پیش بینی هر نوع فاجعه مادی و معنوی را در اقدامات و ساختمانهای انجام شده محتمل می نماید. در حالیکه از ابتدای انقلاب تا امروز همه مسئولین نظام، رعایت دو بعد تفکیک ناپذیر تخصص و تعهد را در انتخاب مدیران اکیداً توصیه نموده اند. در حال حاضر متأسفانه اکثر مدیران دولتی و ملی، که در حوزه های معماری و شهرسازی کشور فعالیت می نمایند، نه تخصص معماری دارند و نه تخصص شهر سازی؛ باید شعار شایسته سالاری مبتنی بر تعهد و تخصص را در سطح کشور، به صورت جدیدی تحقق پذیر نمود.



۴- لزوم نظارت جدی، نهادهای مسؤل بر طرح‌ها و اجرای آن‌ها:

نهادهای مسؤل در حوزه های مختلف و از جمله ساختمان‌های مذهبی نظیر سازمان رسیدگی به امور مساجد سازمان اوقاف، وزارت راه و شهرسازی، شورایی عالی معماری و شهرسازی و سازمان نظام مهندسی کشور، باید از طریق قوانین و سازماندهی مناسب در انتخاب مشاورین، تأیید نقشه‌ها و نظارت بر اجرای صحیح آن حضور جدی‌تر و مؤثرتری داشته باشند.

با توجه به شرایط موجود آموزشی در دانشگاه‌ها و تهاجم بی‌امان رسانه‌ای و تبلیغاتی فرهنگ غربی (بخصوص برای دانشجویان) لازم است نظام مهندسی همانگونه که ابعاد علمی فارغ‌التحصیلان را مورد آزمون قرار می‌دهد، ابعاد فرهنگی و هنری آنها را نیز (بخصوص در مورد ساختمان‌های مذهبی) مورد آزمون تخصصی قرار دهد تا در آینده شاهد آثار نابجا و ناشایست نباشیم. لازم است تا با اصلاح سرفصل دروس دانشگاهی و تألیف منابع و کتب اصیل اسلامی، از طریق اساتید ذیصلاح برای فارغ‌التحصیلان و مهندسان مشاور قدیم و جدید و کارشناسان و مدیران اجرایی نهادهای مربوطه، کارگاه‌های دانش‌افزایی و جلسات مباحثه و آزاد اندیشی برقرار نمود.



۵- شناخت جایگاه و شأن اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا:

جایگاه شوراهای اسلامی شهرو روستا هنوز برای مردم شناخته شده نیست. عناصر اصلی شوراهای شهر یا مستقیماً باید دارای تحصیلاتی در رشته‌های معماری و شهرسازی باشند و یا به نحو غیر مستقیم، از طریق رشته‌های دیگر با مباحث معماری، شهرسازی، عمران، مدیریت شهری، محیط زیست و مباحث فرهنگی - اجتماعی در شهراسلامی،



آشنایی کامل داشته باشند و در عین حال در عمل نیز با تقوی و متعهد باشند تا در انتخاب شهرداران (به دور از جریان‌های سیاسی و منافع شخصی) کسی را انتخاب کنند که مظهر تخصص در حوزه معماری و شهرسازی بوده و در عمل متعهد به ارزشهای اخلاقی، علمی، حقوقی و فرهنگی باشد و صرفاً رویکرد اقتصادی و یا تبلیغاتی نداشته باشد.

۶- متأسفانه بسیاری از مدیران و تصمیم‌گیران ما، تفاوت گرایش معماری و شهرسازی را با گرایش‌های مهندسی نظیر عمران، مکانیک، برق و غیره نمی‌دانند. معماران و شهرسازان به کل رشته معماری و شهرسازی، و جهت و غایت انسانی آن توجه دارند و به همین دلیل باید احاطه کلی و نقش مدیریت به مجموعه تخصص‌های جزئی نظیر عمران و مکانیک و برق و غیره، که هر کدام جزئی از رشته‌های فوق را سامان می‌دهند داشته باشند، به همین دلیل واژه معماری در زبان انگلیسی (architect) به مفهوم رئیس سازنده‌ها است. متأسفانه در کشور ما اغلب مدیران مربوط به معماری و شهرسازی، فارغ‌التحصیل رشته‌های عمران و مکانیک و برق هستند.



نمایی از ورودی طراحی شده و در حال ساخت برای مسجد ولیعصر

۷- لزوم رابطه متقابل، عالمانه و متعهدانه دانشگاه‌ها با مراکز قانونگذاری، برنامه ریزی و اجرایی:

متأسفانه اکثر رساله‌های دانشجویان تحصیلات تکمیلی و طرح‌های تحقیقاتی ملی و دولتی و مقالات به اصطلاح علمی پژوهشی، از بعد مسأله محور بودن، ضرورت و اولویت موضوع، روش تحقیق در مباحث میان‌دانشی (نظیر معماری و شهرسازی)، با نیازهای واقعی کشور و رویکرد فرهنگ و تمدن عمیق و اسلامی ما همراهی و هماهنگی



ندارد.

رابطه نهادهای دانشگاهی با مراکز قانون‌سازی، برنامه‌ریزی و اجرایی، نهادینه و ساماندهی شده نیست. اشکال از دو طرف است، هم آموزش و پژوهش دانشگاه‌ها، اغلب کاربردی و در خدمت نیازهای کشور نیست و هم مراکز برنامه‌ریزی اجرایی، اهمیت لازم را به کار علمی تحقیقاتی نمی‌دهند.

باید رابطه‌ای مستحکم و منسجم بین دانشگاه‌ها، اساتید متخصص و متعهد و ذیصلاح و مراکز قانون‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرایی برقرار شود تا فرهنگ و تمدنی در شأن اسلام و ایران را تحقق‌پذیر نماییم.



۸- تشبه به کفار، یعنی تقلید از آثار بیگانه و مغایر ارزش‌های الهی و اسلامی،

تشبه به کفار، که در دین ما حرام است و باید از تقلید سبک‌های منحرف غربی، جداً اجتناب نمود. از آنجا که هستی‌شناسی معاصر غرب با محروم نمودن خود از کلام الهی و معصومین(س)، شناختی مادی و حسی - غریزی به انسان دارد و با غفلت از فطرت روحی، الهی و بالقوه او، انسان را در جبر غرایز حیوانی خود تعریف میکند، بنابراین از منظر معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی دچار شکاکیت و نسبی‌گرایی شده است یعنی در حوزه زیبایی‌شناسی و فلسفه هنر، دچار بی‌معیاری، نسبی‌گرایی و متغیر و ناپایدار دانستن ارزش‌ها، اصالت‌ها و معیارهای حسن‌شناسی شده است. با اصالت بخشیدن به بعد بالفعل و حیوانی انسان‌ها، عملاً فلسفه هنر و سبک‌های هنری آن‌ها به همین دلیل آثار هنری، تجلی صفات حیوانی انسان، نظیر (غضب و شهوت) و حداکثر کارهای بیهوده (لغو) و بازی و بازیگوشی با فرم‌ها و اشکال (لهو و لعب) شده است، این رویکرد ضد تکاملی موجب ایجاد سبک‌هایی پوچ‌گرا (نیپیلیستی)، هرچ و



مرج طلب (آنارشییستی) و زشت گرا (اگیلینیسم) و ظاهر پرستی (فورمالیستی)، در آثار هنری و معماری و شهرسازی شده است.

این حدیث امام علی (ع) را باید به عنوان سلوک معماری، همواره در نظر داشت که می‌فرمایند: «مردم سه دسته‌اند، دانشمند الهی، و آموزنده‌ای بر راه رستگاری، و پشه‌های دست خوش، باد و طوفان و همیشه سرگردان، که به دنبال هر سرو صدایی می‌روند. و با وزش هر بادی حرکت می‌کنند؛ نه از روشنایی دانش نور گرفتند، و نه به پناهگاه استواری پناه گرفتند» [6].

[۱]. وما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ما جن و انس را خلق نکرده ایم، مگر برای عبادت) (سوره: الذاریات، آیه: ۵۶) [1]

[۲]. رَبِّ بِمَا أَعُوذُ بِكَ لَأَزِيَّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَا أَعُوذُ بِكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ. «پروردگارا به آنچه مرا گمراه نمودی، آنچه را که زمینی است تزئین می‌کنم و همه را گمراه می‌کنم، مگر بندگان مخلص تو را» (سوره: الحجر، آیه: ۳۹) [2]

[۳]. إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، «مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند (می‌توانند آباد کنند) که ایمان به خدا و روز باز پسین داشته باشند». (سوره: التوبه، آیه: ۱۸) [3]

[۴]. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «أَلْعِلْمُ إِمَامُ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ تَابِعُهُ يُلْهَمُهُ بِهِ السُّعْدَاءُ وَيُخْرِمُهُ الْأَشْقِيَاءُ» دانش پیشوای عمل و عمل پیرو آن است. به خوشبختان دانش الهام می‌شود و بدبختان از آن محرومند. (الأمالی، طوسی، ص ۴۸۸) [4]

[5]. پیامبر صلی الله علیه و آله: بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ. «آسمان‌ها و زمین، با عدالت، پا برجا می‌مانند». عوالی اللالی، ج ۴، ص ۱۰۳

[6]. امام علی علیه السلام فرمودند: «الْأَنَاسُ ثَلَاثَةٌ: فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَهَمَجٌ رَعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْ»



احمد مسجدجامعی که در سال‌های گذشته در کنار شخصیتی فرهنگی، به‌عنوان تهران‌شناس هم شناخته می‌شود، تاریخ شفاهی پرننگی از محدوده تئاتر شهر دارد. وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی و عضو سه دوره شورای شهر تهران در گفت‌وگو با «سازندگی» روایتی از آنچه در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ بر محدوده تئاتر شهر و تصمیم به ساخت مجتمع فرهنگی گذشت، ارائه می‌دهد.

متن کامل این گفتگو را در ادامه می‌خوانید:

سابقه سامان بخشیدن به پهنه رودکی، ظاهراً به دولت آقای خاتمی برمی‌گردد، چرا تاکنون این طرح به نتیجه نرسیده است؟

در برنامه چهارم دولت، همزمان با ریاست‌جمهوری سیدمحمد خاتمی، سندی را تهیه کردیم که یکی از بندهای آن این بود که محوطه تالار رودکی تا تئاتر شهر به «پهنه فرهنگی-هنری» تبدیل شود. طراحی فاز اول آن به این شکل بود که از ابتدای تقاطع خیابان حافظ و خیابان شهریار آغاز و به تئاتر شهر وصل می‌شد. در فازهای بعد ضلع شمالی آن تا خیابان انقلاب و ضلع جنوبی آن تا نوفل‌لوشاتو را در بر می‌گرفت و از شرق و غرب خیابان حافظ و ولیعصر را پوشش می‌داد.

در این طرح تک‌تک پلاک‌ها شناسایی شد و چون بناهای ارزشمندی هم به لحاظ معماری و هم به لحاظ ساکنان وجود داشت پیش‌بینی مجموعه‌ای فاخر در دل شهر تهران طبیعی بود. مجموعه تالار وحدت و رودکی و تئاتر شهر



در ۴۰ سال گذشته مهم‌ترین مرکز فعالیت‌های فرهنگی و هنری پایتخت بودند و در این محوطه علاوه بر تئاتر شهر، تالار رودکی و تالار وحدت و تالار فرهنگ، سالن‌ها، گالری‌ها و کافی‌شاپ‌ها و تئاترهای بخش خصوصی وجود دارد و به همین دلیل این محوطه از اهمیت فراوانی برخوردار است. اما دولت پس از خاتمی این ایده‌ها را پیگیری نکرد و برنامه چهارم را کنار گذاشتند و گفتند این برنامه‌ها لیبرالیستی است.

در همان سال‌ها وارد شورای شهر شدید. شما در شورا در این باره چه کار کردید؟
بله در همان دوره به شورای شهر، که سومین دوره فعالیت خود را آغاز کرده بود راه یافتیم و طرحی را که توسط دولت وقت متوقف شده بود، به صورت یک سند در شهرداری تصویب کردیم و شناسایی‌ها و مطالعاتش این بار توسط شهرداری انجام شد. آقای محسن هاشمی، رئیس مترو بود. طرحی برای خط مترو در کنار تئاتر شهر (در مسیر انقلاب و مسیر ولیعصر) اجرا شد و گفته می‌شد لرزش‌های ناشی از عبور خط مترو به ساختمان تئاتر شهر آسیب خواهد رساند.

اما مطالعاتی با پیگیری کمیسیون‌های فرهنگی و عمران در همین زمینه انجام دادیم و بر اساس آنها مشخص شد که عبور خط مترو به تئاتر شهر آسیبی نخواهد زد. با این حال موافقت‌نامه‌ای با آقای هاشمی نوشتیم و با زنده‌یاد عزت‌الله انتظامی و آقای ایرج راد در خانه تئاتر و کمیسیون فرهنگی جلساتی برگزار شد و درباره موضوع مورد بحث به توافق رسیدیم.

در آن جلسه بحثی هم درباره این پهنه و تئاتر شهر مطرح شد؟
بله، حتی مصوبات دیگری هم داشتیم. ضمناً قرار گذاشتیم که کارگاه مترو، که آن وقت در خیابان مظفر پایین‌تر از خیابان انقلاب بود، بعد از اتمام ساخت مترو برای ساختمان تکیه شهر در اختیار قرار گیرد. علاوه بر آن بحث ایستگاه مترو تئاتر شهر پیش آمد و قرار شد که طراحی و معماری داخلی ایستگاه تئاتر شهر با نظر خانه تئاتر صورت پذیرد و نام ایستگاه روبه‌روی پارک دانشجو تئاتر شهر باشد. ضمناً سازه ایستگاه در این محل، مانع دیدن ساختمان تئاتر نباشد.

این شلوغی و رفت و آمد نامعمولی که در کنار تئاتر شهر شاهدیم، ناشی از چیست؟
اتفاق نامعمولی که در کنار تئاتر شهر و چهارراه ولیعصر روی داد، احداث زیرگذر برای عابر پیاده بود. اگر به آنجا رفته باشید می‌دانید که چقدر دسترسی به بیرون سخت است، با راه‌پله‌هایی که به دسترسی‌های متعدد ختم می‌شود. بماند که هزینه نگهداری، روشنایی، نظافت، پله‌های برقی و آسانسورها چقدر بالاست. علاوه بر آنکه برای معلولان جسمی و حرکتی دشواری‌های دوچندان دارند. درحالی‌که در همه جای دنیا ماشین به زیرگذر راه پیدا می‌کند و پیاده از سطح خیابان و پیاده‌رو می‌گذرد. می‌دانیم که چهارراه ولیعصر دو شاهراه و ستون فقرات شمال به جنوب و شرق به غرب را به هم وصل می‌کند و بناهای فاخر، از جمله تئاتر شهر در کناره‌های آن وجود دارد. در زمانی که آقای نجفی شهردار شدند، با اطلاعاتی که از شورای سوم و مصوبات پیرامون این موضوع داشتند، اعتبار مصوبه «پهنه رودکی» را ابلاغ کردند. هر چند که اقدامات خوبی توسط بخش خصوصی در بخش‌هایی از این پهنه و با حمایت شهردار منطقه انجام شد اما اجرای کامل طرح باز هم زمان می‌خواهد.

آیا سیاستی در پیش بوده که تئاتر شهر به‌عنوان مهم‌ترین ساختمان فرهنگ و هنر در ۴۰ سال گذشته به حاشیه



رانده شود و از اهمیتش کاسته شود؟

با این صحبت موافق نیستیم، در طول این سال‌ها این منطقه به مهم‌ترین منطقه برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و هنری تبدیل شده است و از گالری‌ها، کافه‌ها و انجمن‌ها و تماشاخانه‌های خصوصی پر شده است. در واقع نقطه کانونی توسعه فرهنگ و هنر در این پهنه در برنامه دولت درست انتخاب شده بود. شاید تئاتر شهر فعلاً روزهای اوج خود را نداشته باشد اما آن منطقه همچنان شاهراه فرهنگی-هنری به حساب می‌آید.

ساخت بنای مجتمع فرهنگی-هنری حضرت ولیعصر(عج) در کنار تئاتر شهر از چه زمانی مطرح شد؟ در ابتدا آنجا یک زمین خالی و محل پارک وسایل نقلیه به ویژه ماشین‌های مراجعان تئاتر شهر بود، پیشنهاد من این بود که آن جا به تکیه شهر تبدیل و با الگوی امروزی شده تکیه دولت که نقشه‌های آن موجود است ساخته شود. آقای مهندس موسوی آن زمان در فرهنگستان هنر بود و می‌توانست با گروهی نقشه‌های تکیه دولت را روزآمد کند. قرار بود که تکیه شهر، نمایش‌های آئینی و مذهبی را حمایت کند و تئاتر شهر هم فعالیت‌های خود را داشته باشد و حتی بحث بود که در مکان تکیه شهر، موزه هنرهای نمایشی سنتی مانند تعزیه، پرده‌خوانی و نمایش‌های آئینی راه‌اندازی شد. زیرا با توجه به گستردگی ادوات به‌کاررفته در این نمایش‌ها، همچنان این حوزه از داشتن موزه و کتابخانه تخصصی محروم است. سند موزه و کتابخانه حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام در شورای چهارم به تصویب رسید.



Photo: Abouzar Cheraghi

آیا بنای مسجد در دوره سوم شروع شد؟

نه، شروع بنا در دوره دوم شورای شهر بود. کلنگ این بنا در زمان آقای احمدی‌نژاد بر زمین زده شد و گفتند به



همان میزانی که فضا برای پارک وسایل نقلیه وجود داشت، در طرح جدید فضایی برای آن در نظر گرفته خواهد شد. ولی عملاً در زمان آقای قالیباف ساخت آن جدی شد و نقشه موجود به تصویب معاون فنی و ریاست وقت مرکز رسیدگی به امور مساجد هم رسید. روحیه آقای قالیباف هم این نبود که برخلاف نظر برخی نهادهای سیاسی و مذهبی رفتار کند، بنابراین با همه‌جا برای ساختن آن بنا هماهنگی شد و همان زمان ساخت آن به پایان رسید اما افتتاح و بهره‌برداری نشد.

مسجد و مجتمع فرهنگی و مذهبی ولیعصر (عج) با چه عنوانی مجوز گرفته است؟ آیا ساختن آن برای این بود که تئاتر شهر به حاشیه رانده شود؟

آن مکان با عنوان مسجد کلنگ‌زنی شد، اما اینکه شما می‌گویید سیاستی برای به حاشیه راندن تئاتر شهر وجود داشته، من تصور می‌کنم نمی‌توان این نظر را به همه دست‌اندرکاران نسبت داد.

چرا مسجد حضرت ولیعصر (عج) مناره و گنبد ندارد؟

بسیاری از مساجد هستند که مناره و گنبد ندارند. مسجد از نظر شرعی نیازی به گنبد و مناره ندارد و از نظر معماری گنبد و مناره لزوماً از اجزای مسجد نیست.



اما آن محدوده به پاتوق دست‌فروش‌های بدل شده است.

آن بحث دیگری است؛ هر فعالیتی که منجر به سد معبر شود ممنوعیت دارد اما مقصود این نیست که با

دستفروشان رفتارهای خشن انجام شود زیرا سد معبر دستفروشان جرم تلقی نمی‌شود و قابلیت مدیریت دارد.

پیشترها دور تئاتر شهر و پارک دانشجو نرده داشت، همان زمانی که نرده‌های پارک‌ها را برداشتند به وضع کنونی



درآمد. مدتی بعد آقای خسرو جردی طرحی ارائه کرد که با درختچه‌ها و نگرش‌های هنری، فضای حائلی میان پارک دانشجو و پیاده‌رو ایجاد شود که آن هم عملی نشد و می‌توان دوباره به آن پرداخت.

پروژه مجتمع فرهنگی و مذهبی حضرت ولیعصر (عج) آماده بهره برداری گردید

مسجد و مجتمع فرهنگی و مذهبی حضرت ولیعصر (عج) به لحاظ قرارگیری در موقعیتی خاص و طرح معماری دارای اهمیت ویژه ای می باشد. این پروژه در شهر تهران، چهار راه حضرت ولیعصر (عج) و در ضلع جنوبی تئاتر شهر در زمینی به مساحت ۵۰۰۰ متر مربع با زیر بنای ۲۵۶۹۸ متر مربع بنا شده است. این مجموعه در ۷ طبقه بنا شده است که کاربری سه طبقه آن پارکینگ به گنجایش ۱۶۸ خودرو، یک طبقه سالن اجتماعات (به ظرفیت ۳۱۱ نفر)، دو طبقه شبستان زنانه و مردانه به ظرفیت ۱۲۰۰ نفر و یک طبقه بخش های اداری و فرهنگی به تعداد ۸ واحد و سالن گالری نمایشگاهی می باشد.



سقفها از نوع C.D.S یا دو قوسی به صورت یک پوسته بتنی می باشد که تا کنون نمونه آن در کشور اجرا نشده است. این پوسته بتنی به ضخامت ۲۵ سانتیمتر، دارای قوس هایی در دو جهت می باشد. به لحاظ تأمین نور فضاهای داخلی، بر روی پوسته شیارهایی ایجاد شده و قوس هایی عمود بر قوس اصلی، پنجره هایی را در سطح نهایی ایجاد کرده است. این پوسته بتنی در ضلع شمالی، متکی بر یک شاه تیر فولادی به صورت قوسی است که به لحاظ شکل ظاهری، ابعاد، محل و روش نصب از ویژگی های منحصر به فرد این مجموعه می باشد. قسمت های میانی این پوسته بر روی ستون های اصلی سازه متصل شده است و در تراز نهایی این ستونها، سازه های صلیبی



شکل با اتصالات خاص اجرا شده که سبب تأمین اتکای مناسب پوسته بر روی سازه اصلی می گردد. با توجه به نوع خاص این سازه بتنی در ابتدا ضمن دعوت از پیمانکاران صاحب نام خارجی مقرر گردید اجرای پوسته توسط این شرکت ها انجام شود، ولی قیمت های اولیه اعلام شده در این مرحله بسیار چشمگیر و قابل توجه بود. لذا در آغاز سال ۱۳۹۱ کلیه مدارک و نقشه ها از سوی دفتر فنی شرکت مهندسی عمران و تولیدی نیرو مورد بررسی مجدد قرار گرفت و روش اجرایی این پوسته بتنی تهیه گردید. در این مرحله شاه تیر فولادی در ضلع شمالی در اسرع وقت ساخته و نصب گردید و قسمتی از پوسته بتنی به صورت نمونه و با روش اجرایی مد نظر، قالب بندی و بتن ریزی گردید که این روش مورد تحسین و تأیید سازمان عمرانی مناطق شهرداری به عنوان کارفرمای طرح و مسئولین ذیربط قرار گرفت. لازم به ذکر است که بتن مورد استفاده در اجرای این پوسته نیز از نوع بتن پرمقاومت است که در تهیه آن از ۴ نوع افزودنی و مکمل استفاده شده که این موضوع منجر به اخذ نتایج بسیار مطلوب بر روی نمونه ها در آزمایشگاه بتن شده است. در خصوص نازک کاری نهایی سقف و نمای پروژه، گزینه های مختلف بررسی گردید و با توجه به مجاورت ساختمان مسجد با ساختمان تئاتر شهر و لزوم یکنواختی بین نماهای این دو ساختمان مقرر گردید از سیمان شسته به صورت کاملاً یکنواخت روی سقف و دیواره ها استفاده شود. سرانجام با تلاش فراوان متخصصین و کارکنان عمران نیرو و با توجه به حجم عظیم کار و موقعیت قرارگیری و ترافیک سنگین این منطقه، این پروژه در نیمه اول سال ۱۳۹۷ تحویل موقت گردید.

قصه عجیب یک مسجد در مجاورت تئاتر شهر!

داستان این مسجد، مجتمع فرهنگی، حوزه علمیه، حسینیه یا شاید در آینده مجتمع تجاری، از زمانی شروع می شود که عده ای قصد می کنند بنایی را به عنوان "مسجد" در ضلع جنوبی تئاتر شهر، یعنی جایی که پارکینگ این مکان بود، بسازند و همین، نقطه ای آغاز تمام تنش ها می شود. زمین کنار تئاتر شهر از قبل از انقلاب اسلامی به عنوان پارکینگ مجموعه استفاده می شد و اگرچه این بنای فرهنگی و تاریخی همواره به دلیل فضای ناامنی که افراد ناهنجار و غیر فرهنگی در این محل به وجود می آوردند مشکلاتی داشت، اما ساخت مسجد در کنار تئاتر شهر، آن هم به جای پارکینگ، صدای اعتراض هنرمندان و اهالی تئاتر را درآورد؛ هنرمندانی که الان حتما گله ای صد چندان دارند وقتی می بینند آنچه از دست دادند با وعده ای ساخت مسجد بود و حالا بنایی ساخته شده که گفته می شود در مکاتبات اداری، «مجتمع فرهنگی و نمازخانه» معرفی شده است.

عمر شورای شهر چهارم و شهرداری محمدباقر قالیباف قد نداد تا آنچه در دوره مدیریت آن ها به این شکل ساخته شده است، به طور رسمی رونمایی شود.

«وقتی قرار شد این زمین مسجد شود، نقشه ای توسط استاد نقره کار - طراح و معمار معروف مسجد - تهیه می شود که در آن دو طبقه پارکینگ و سالن کنفرانس و مسجد در کنار هم گنجانده می شوند»، اما کمی بعد با مشخص شدن ارتفاع گنبد این بنا که از ساختمان ثبت ملی شده ی تئاتر شهر بالاتر می رفت کار متوقف می شود.

«در دوران شهرداری غلامحسین کرباسچی برخی همکارانش در سازمان اوقاف با شهرداری توافق می کنند تا فقط دو هزار متر این زمین مسجد شود و باقی به مجتمع فرهنگی تبدیل شود»، اظهار می کند: «احمدی نژاد وقتی شهردار، قبول کرد که از ساخت این مسجد جامع حمایت کند و حتی وقتی رییس جمهور شد یک بار تماس گرفت تا از روند کار مطلع شود که به او گفتم کمبود بودجه داریم؛ او هم دستور داد سه میلیارد تومان کمک کنند؛ هر چند آخر یک



قران از آن پول به ما نرسید. تا اینکه بعد از مدتی حس کردم نقشه‌ی کار را عوض کرده‌اند و طرح اسلامی مسجد جامع به یک طرح غیراسلامی تبدیل شده است.»

جعفری که از این موضوع بسیار گله‌مند است، گویا به دستگاه‌های مختلفی مراجعه می‌کند، اما به نظر می‌رسد شکایت‌هایش راه به جایی نمی‌برند و در نهایت با تغییر طراح نقشه و خود نقشه، مناره و گنبد از بنا حذف و اثری مدرن در کنار تئاتر شهر ساخته می‌شود که به گفته مهدی حجت - یکی از معمارانی که در طراحی جدید اظهار نظر کرده بود -، چاره‌ی دیگری هم جز این نبوده است.

مهدی حجت که اوایل انقلاب در مدتی نسبتاً کوتاه مدیر تئاتر شهر بوده و بنیانگذار سازمان میراث فرهنگی هم شناخته می‌شود، با تأکید بر اینکه «چهار راه ولیعصر (عج) و کنار تئاتر شهر جای ساختن مسجد و چنین بنایی نبوده است»، نسبت به اعتراض‌هایی که به ساخت این بنا مطرح می‌شود، می‌گوید: «رضا دانشمیر که این بنا را طراحی کرد مطلقاً معمار مسجدساز نیست و ادعای ویژه‌ای هم در مسجدسازی ندارد. اما اگر اعتراضی هست که چرا او انتخاب شده تا ساختمان را به این شکل درآورد باید علت را از کسانی که سفارش دادند پرسید.»

با این حال این بنا در شرایطی آماده‌ی افتتاح شده که مجتبی شاکری - عضو سابق شورای شهر تهران - بهره‌برداری از آن را با وضعیت فعلی غیرقانونی می‌داند. «در اینجا، بنا به اشکالات متعددی که در طراحی مسجد وجود داشت کار متوقف شد، چون مسجد به معماری ایرانی - اسلامی هیچ ربطی ندارد و هزینه‌های زیادی هم تا الان برای آن شده که تا پایان کار به رقم ۵۰ میلیارد تومان می‌رسد؛ یعنی رقم سنگینی که از قبل آن می‌شد ۱۰ مسجد در مقیاس محلی ساخت.»

او ادامه می‌دهد: «بنابر اعتراض ما، قرار شد که مشاور برای طراحی مناره و گنبد تغییراتی را در بیرون و نیز داخل بنا ایجاد کند که تا الان این اتفاق نیفتاده و به همین دلیل دادن هرگونه بودجه برای تکمیل کار خلاف مصوبه شورا است و این مسجد باید با طرح جدیدی که داده می‌شود نظر شورا را تأمین کند.»

وی با تأکید بر اینکه متولی و صاحب این زمین و ساختمان شهرداری است، همچنین تأکید می‌کند، «این مجتمع فرهنگی به نوعی تغییر کاربری مسجد و فرار از الزامات مسجد است که با آنچه تصویب شده بود تفاوت دارد.» اما ماجرای این مسجد با وجود اینکه تأکید می‌شود کلنگش توسط محمدی گلپایگانی - رییس دفتر مقام معظم رهبری - زده شده و برای آن خطبه مسجد هم خوانده شده است، خطبه‌ای که البته برخی آن را رد می‌کنند، روی دیگری هم دارد، چون در شرایطی که حجت‌الاسلام جعفری تأکید دارد مسجد یک زمین وقفی بوده و برای ساخت مسجد به اوقاف داده شده است، غلامحسین کرباسچی - یکی از شهرداران تهران - تأکید می‌کند که قرار بوده این محل پارکینگ باشد.

این موضوع توسط مجید جعفری که طولانی‌ترین دوره مدیریت را در تئاتر شهر داشته، نیز تأیید می‌شود. «زمین واقع در ضلع جنوبی تئاتر شهر از همان ابتدا یک پارکینگ بود و در دوره شهرداری آقای کرباسچی قرار بر این شد که آنجا پارکینگ طبقاتی ساخته شود که البته مخالفت‌هایی داشتیم، چون حرف ما این بود که اگر پارکینگ طبقاتی ساخته شود، چهره‌ی تئاتر شهر را تخریب می‌کند و همین موضوع باعث شد به این نتیجه برسیم که پارکینگ چندطبقه در عمق زده شود تا روی آن هم چیزی نباشد که چهره‌ی تئاتر شهر را مخدوش کند.»

وی با اشاره به وجود چهار مسجد در همان محدوده‌ی اطراف تئاتر شهر و اینکه چرا باید مسجد دیگری ساخته



می‌شد که به تعداد مسجدهای خالی اضافه شود؟ یادآوری می‌کند: «قبل از انقلاب این منطقه (محل فعلی تئاتر شهر و اطراف آن) با نام "کافه شهرداری" شناخته می‌شد که به نوعی تفریح مردم و تحت نظر و مالکیت رادیو و تلویزیون ملی (صدا و سیما فعلی) بود و بعدها که تئاتر شهر ساخته شد زمین کنار آن، به عنوان پارکینگ مجموعه استفاده می‌شد. اما پس از انقلاب و با تغییر ساختار کاری صداوسیما و از آنجا که دیگر واحد نمایش برای تولید تئاتر نداشت، تئاتر شهر به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتقل شد و همچنان زمین کنار تئاتر شهر برای پارکینگ این مجموعه استفاده می‌شد.»

جعفری می‌گوید: «زمانی که تصمیم به ساخت پارکینگ طبقاتی گرفته شد، یک روز اتفاقی در آنجا زده شد که اول معلوم نبود برای چیست، کسی هم توجهی نکرد، اما به مرور این اتفاق بزرگتر شد و آقایی آمد آنجا نماز خواند. بعد عده دیگری هم برای نماز خواندن به آن اتاق آمدند و کم کم شایعه شد که اینجا قرار است مسجد ساخته شود و تئاتر شهر هم سالن اجتماعاتش خواهد بود. در آخر هم شروع به ساخت و ساز کردند و چنان پی عمیقی زدند که سالن قشقایی آسیب دید.»

او با تاکید بر اینکه «ما با مسجد مخالفی نداریم و اصلاً چرا باید مخالفتی باشد؟!» بیان می‌کند: «شهرداری دو بار کارهایی را انجام داد که باعث آسیب زدن به تئاتر شهر شد؛ یکی برای ساخت همین مسجد و یکی هم برای مترو و درک نمی‌کنم چرا باید در کنار یکی از زیباترین و بی‌نظیرترین بناهای تاریخی ایران چنین اتفاقی بیفتد. مخصوصاً اینکه این ساختمان کنار تئاتر شهر مسجد هم نشد و به مجتمع فرهنگی تبدیل شده است و شایسته نبود پارکینگ تئاتر شهر را بگیرند و چنین کاری کنند.»

البته اگرچه کلنگ این بنا به نام مسجد زده شد و با همین عنوان مسجد بسیاری از معترضان مجبور به سکوت شدند، اما خیلی‌ها از همان ابتدا بر این باور بودند که ساخت مسجد یک بهانه است و حالا که نامی از "مسجد" روی این ساختمان نیست، شاهدی بر آن ادعاهاست. در این باره حتی مجید جعفری معتقد است: «اصلاً بعید نیست که این مجتمع کاربری تجاری هم داشته باشد و شاهد اتفاقات دیگری در آن باشیم.»

این وضعیت محوطه اطراف تئاتر شهر در زمان مدیریت حسین پاکدل که پس از مدیریت ۱۱ ساله‌ی جعفری به تئاتر شهر آمد خیلی جدی‌تر می‌شود؛ چون علاوه بر ساخت و ساز، شرایط بد غیرفرهنگی محیط اطراف و پارک دانشجو چنان بغرنج می‌شود که او به ریس جمهور وقت نامه می‌نویسد و در آستانه‌ی یکی از دوره‌های جشنواره‌ی تئاتر فجر از او استمداد می‌طلبد.

در بخشی از این نامه نوشته شده بود: «این روزها اگر گذر کسی به اطراف تئاتر شهر بیفتد، از نزدیک شاهد دردآورترین صحنه‌های ممکنه خواهد بود؛ به قول دوستان تئاتری تراژیک‌ترین صحنه‌های واقعی. این ساختمان بی‌پناه و فراموش شده، تقریباً به تمامی در محاصره اوباش، ولگردان، معتادان، منحرفین و بی‌خانمان‌هایی است که شبانه روز در اطراف آن یا پرسه می‌زنند یا اطراق کرده‌اند و با حضور پررنگ خود فعالیت‌های مجموعه را تحت‌الشعاع قرار داده‌اند؛ هنرمندان، تماشاگران و خانواده‌ها از بیم حضور این همه معتاد و ولگرد و یاغی احساس ناامنی کرده و گاه از خیر مراجعه می‌گذرند. این روزها در اطراف این ساختمان، بی‌وقفه شعله‌های دود و آتش به هوا بلند است. در گوشه و کنار آن معتادین برای گرم کردن خود آتش می‌افروزند و در طول روز نیز اگر کسی قصد عبور و مرور داشته باشد، بی‌شک در چند جا پایش را روی سر و دست و پای افرادی می‌گذارد که در مسیر در زیر جل پاره یا مقوا و



روزنامه در اثر استعمال مواد مخدر به خواب رفته‌اند یا چرت می‌زنند. پارکینگ اختصاصی این مجموعه توسط شهرداری منطقه ضبط شده و اجازه بازسازی داده نمی‌شود و همه شب توسط ولگردان، معتادین و سارقین به خودروهای تماشاگران و هنرمندان آسیب می‌رسد و اشیا داخل آن‌ها به سرقت می‌رود، لذا هیچ مراجعه کننده‌ای امنیت خاطر ندارد».

در ادامه این نامه خطاب به رییس جمهور وقت آمده است: «از سال ۷۶ که بنده مسوولیت اداره این مجموعه فرهنگی را پذیرفتم، تلاش بی‌وقفه‌ای برای پاکسازی و بهسازی اطراف آن شروع شد. اول با شهرداری محترم وقت جناب کرباسچی صحبت و مذاکره شد، ایشان چند بار تشریف آوردند، از نزدیک بازدید کردند و قبول نمودند اساس برداشتن حصارهای اطراف این مجموعه کار اشتباهی بوده است و دستور دادند طرح متناسب و زیبایی برای محصور کردن و حفاظت بهتر از ساختمان آماده شود. لذا با دعوت و همکاری هنرمندان و طراحان بنام کشور از جمله استادان، خسرو خورشیدی، حسین خسروجردی، مرتضی ممیز، ابراهیم حقیقی و دیگران طرح‌هایی آماده شد تا ضمن محصور کردن، و تفکیک آن از پارک دانشجو، زیبایی فزاینده‌ای نصیب تئاتر شهر و خیابان و شهر نماید. طرح‌ها به شهرداری ارائه شد. ولی متأسفانه برخورد نمود به ماجرای شهرداری و دستگیری جناب کرباسچی، بعد پیگیری‌ها با قائم مقام ایشان ادامه یافت؛ طرح‌ها انتخاب و تصویب شد، ولی موکول کردند به بعد از انتخابات شورای اسلامی شهر تهران؛ چنین شد، این شورا تشکیل شد، شهردار جدید جناب الویری انتخاب شد. از ایشان دعوت شد، تشریف آوردند دور و اطراف را بازدید فرمودند، دستورات لازم داده شد، ولی موکول کردند به نظر شورای اسلامی شهر تهران. مجدداً تلاش شد، از اعضای شورا دعوت شد، آمدند، دیدند، همگی مشکل را قبول نمودند و طی جلسه‌ای در تئاتر شهر اعلام نمودند، برای شهر تهران بسیار ننگ است، تنها مرکز تئاتری حرفه‌ای‌اش این گونه با چنین معضل آلوده‌ای مواجه باشد؛ قرار شد اقدام عاجل صورت پذیرد، ولی متأسفانه به دلیل ترور ناجوانمردانه جناب حجاریان، مسئله مسکوت ماند. در طی این مدت مذاکرات و مکاتبات بی‌شماری با شهرداری، نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، شهرداری منطقه، فرماندهی نیروی انتظامی منطقه، سازمان پارک‌ها، سازمان زیباسازی، طرح‌های عمرانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ... صورت گرفت، ولی همگی بی‌نتیجه ماند».

البته گویا در همین زمان‌ها بوده که با اوج گرفتن ساخت مسجد و تخریب بخشی از مجموعه تئاتر شهر در پی گودبرداری، تعدادی از اهالی تئاتر تصمیم به تحسن کردن در مقابل تئاتر شهر می‌گیرند که با وعده‌ی پیگیری احمد مسجد جامعی (وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی) قضیه منتفی می‌شود؛ اما طبق آنچه از برخی تئاتری‌ها روایت می‌شود این وزیر و عضو فعلی شورای شهر چند روز بعد، ساخت مسجد در کنار تئاتر شهر را بلامانع می‌داند. پیگیری خبرنگار ایسنا برای شنیدن ماجرا از زبان خود مسجدجامعی بی‌نتیجه ماند، چون او ترجیح داد در این باره سکوت کند؛ با این استدلال که این ساختمان دیگر مسجد نیست. البته او یادآور شد، اولین کسی بوده که خواستار عوض شدن طرح ابتدایی مسجد شده تا گنبد و مناره‌ای روی بنا نباشد.

با این حال پیگیری‌های پاکدل در زمان مدیریت خود در نهایت منجر به محصور شدن تئاتر شهر و پارکینگ آن می‌شود ولی کم‌کم ماجرای ساخت مسجد جدی می‌شود و کانکسی هم در داخل پارک به روحانی‌ای که چند سالی در آنجا بود داده می‌شود تا ساخت مسجد تمام شود.

حجت‌الاسلام جعفری در این باره می‌گوید: «شهرداری فضایی را داخل پارک به ما داد که البته خرج و مخارج آن را



نداد و ما مجبوریم خودمان به نحوی هزینه‌هایمان را تامین کنیم. اینجا آشپزخانه‌ای زده‌ایم که در اعیاد و وفات‌ها و ماه‌های رمضان و محرم برای مسجد غذا می‌پزیم». البته شواهد نشان می‌دهد که گاهی تعدادی غذا هم بیرون داده می‌شود که اگر گذرتان به پارک دانشجو بیفتد، ممکن است بتوانید طعم آن را با پرداخت مبلغی بچشید.

نکته‌ی قابل توجه این است که بخشی از کانکس‌هایی که تابلوهایی با نام‌های "مسجد ولیعصر (عج)" و "شورای حل اختلاف" روی آن‌ها نصب شده، زمانی کتاب‌روشی بوده که الان به آمیوه فروشی تبدیل شده است. حتی آشپزخانه‌ای که آنجا تعبیه شده، شب‌هنگام و در یک تاریکی هماهنگ شده با روشن نگه "نداشتن" مداوم چراغ‌های پارک، محل بروز انواع بزه و جرم در چند قدمی مکان فرهنگی تئاتر شهر شده است و همین‌ها تردد شبانه را برای هنرمندان و تماشاگرانی که اواخر شب نمایشی را به صحنه برده یا نظاره‌گر بودند، سخت می‌کند. هرچند در طول روز هم چندان امنیتی وجود ندارد و شهرداری و پلیس پارک خیلی تلاش خاصی برای علیرضا جبارزاده - رئیس ایستگاه ۴۶ آتش نشانی تهران - در گفت‌وگو با ایسنا درباره‌ی راه‌های دسترسی به تئاتر شهر در زمان لازم یا توجه به بسته شدن کوچه پشت این مجموعه که با ساخت این بنا در کنار تئاتر شهر بسته شده است، بیان کرد: از لحاظ ایمنی کوچه‌ی پشت تئاتر شهر یکی از قابل‌دسترس‌ترین راه‌ها برای خودروهای ما و انجام عملیات بود ولی الان متأسفانه از ضلع جنوبی تئاتر شهر به هیچ وجه نمی‌توانیم عملیاتی را انجام دهیم؛ یعنی حتی اگر برای آن ساختمان هم اتفاقی بیفتد بسته شدن آن مسیر برای دسترسی خودروهای ما خوب نبود و می‌شد یک ایستگاه عملیاتی را از آنجا برد که الان دیگر امکانش نیست.

حالا جدا از این مشکلات و نیز حضور انبوه دستفروشان که اطراف تئاتر شهر را زشت می‌کنند، ساختمانی در این چهارراه و کنار یک بنای زیبای تاریخی ساخته شده و چیزی از آن برآمده است که با آنچه تصور می‌شد تفاوت دارد؛ البته شاید بهتر باشد کمی هم صحت این تصور را بررسی کنیم چرا که به نظر می‌رسد از همان ابتدا کاملاً مشخص بوده که اینجا قرار است یک مجتمع فرهنگی باشد و فقط در کنار آن، مسجد یا نمازخانه‌ای هم ساخته شود.

در این باره حجت‌الاسلام حمید مشهدی آقایی - سخنگوی اداره امور مساجد استان تهران - که احتمالاً باید یکی از متولیان باشد و پیگیر اینکه چرا این بنا صرفاً مسجد نشده است، به ایسنا می‌گوید: «وقتی می‌گویند مجتمع فرهنگی مذهبی، بنا بر این نیست که اصلاً مسجد نباشد. ما هم طبق قرار و روال کارمان در ساخت و سازها ورود پیدا نمی‌کنیم به همین دلیل این مورد خیلی عجیب و غریب نیست و اینطور نبوده که مرسوم نباشد. ما زمانی ورود می‌کنیم که عنوان مسجد بر بنا صدق کند».

او همچنین درباره وقفی بودن زمین و اینکه گفته می‌شود برای اینجا خطبه مسجد خوانده شده و مگر می‌شود کاربری دیگری داشته باشد؟ بیان می‌کند: «کی گفته آنجا خطبه خوانده شده؟ این خطبه، غلط مشهور است. بعضاً جمله‌ای را می‌گویند که گاهی هم نیست، چون هر جایی که دو نفر نماز خوانده شده باشد مسجد شده مثل شهرهای کوچکی که مسجدهای کوچک زیادی دارد. الان هم درباره‌ی این مکان، اینکه عنوان مسجد برایش صدق می‌کند یا خیر را نمی‌دانیم. ضمن اینکه اینجا مسجد بوده و خراب شد تا دوباره ساخته شود. نمی‌دانم زمین‌اش وقفی بوده یا نه ولی اگر قبلاً مسجد بوده پس زمین هم وقفی بوده است».

وی ادامه می‌دهد: «مسجد هنوز به ما تحویل داده نشده و ما دخالتی هم در آن نکرده‌ایم چون کلاً قرار ما همین است که هر جا مسجدی ساخته می‌شود، هیأت امنایی منصوب و بعد امام جماعت هم با نظر هیأت امناء و تایید امور



مساجد تعیین می‌شود».

آقایی همچنین تاکید دارد که شهرداری، مساجد زیادی ممکن است ساخته باشد، اما درباره‌ی آنچه پیش آمده خودش باید پاسخگو باشد، «ما به گذشته کاری نداریم و در این پنج سال بنا براین بوده که فقط در بحث نرم‌افزاری ورود کنیم. اصلا از حدود ۱۰ سال قبل که این بنا قرار بود ساخته شود، ما طبق قرارداد ورود پیدا نکردیم. حتی اگر خیریه هم بخواهد مسجد بسازد ما راجع به کمیت و کیفیت ورود پیدا نمی‌کنیم هرچند دوست داریم به یک الگوی معماری مختص جمهوری اسلامی برسیم. با این حال فقط ممکن است توصیه‌هایی بکنیم که مثلا خوب نیست کنار مسجد پاساژسازی شود».

وقتی از او می‌پرسیم الان چه کسی متولی این ساختمانی که به نام مسجد ساخته شده، است و چه کسی باید پیگیر باشد که چرا اسم مسجد روی آن نیست؟ اینطور پاسخ می‌دهد، «من نمی‌خواهم وارد دعوای شوم. دوستان شهرداری می‌گویند که از ابتدا می‌خواستند اینجا مجتمع فرهنگی - هنری باشد و چون در نقطه‌ی مهمی از شهر واقع شده کنارش نمازخانه هم باشد. حالا اینکه چرا این بنا این طور شده باید شهرداری و شورای شهر پاسخ دهند چون مشخص است که متولی شهرداری است. آن‌ها ۲۰۰ مسجد ساخته‌اند که هرطوری شده خودشان باید جواب بدهند».

او در عین حال ادامه می‌دهد، «اینکه صاحب ساختمان کیست هم بستگی دارد. یعنی اگر اینجا صد درصد به عنوان "مسجد" باشد، شبستان برای ماست. اگر رواق داشته باشد اوقاف ورود پیدا می‌کند، ضمن اینکه ممکن است براساس قراردادهای پیمانکاری، بخش‌هایی از ساختمان را هم آن‌ها در اختیار بگیرند، اما درباره‌ی این ساختمان قرار اولیه این بوده که همان مجتمع فرهنگی باشد».

در نهایت آنچه به طور خلاصه می‌شود از این ماجرای ۱۰ - ۱۵ ساله گفت این است که روزی سنگ بنایی در یک محوطه که پارکینگ تئاتر شهر بود به نام ساخت مسجد زده شد که امروز بر سر مسجد بودن یا نبودن آن حرف و حدیث و تردید زیاد است و در شرایطی که حتی زمزمه‌های زیادی از واگذاری آن به دستگاهی دیگر شنیده می‌شود فقط یک نفر علنی و با سروصدای زیاد که تا بی‌بی‌سی هم رسیده، برای مالیکت این ساختمان ادعا و پیگیری می‌کند که آن هم کسی نیست جز میرحیدر جعفری؛ روحانی‌ای که اگرچه ابراز ناراحتی می‌کند که چرا اینجا مسجد جامع نشده، اما حاضر است با هر وسیله‌ای شده این ساختمان را به دست آورد. «اگر اینجا را با زبان و به راحتی تحویل دادند که هیچ، وگرنه ما آماده‌ی مقابله هستیم، یعنی افرادی آنجا هستند و من هم به عنوان امام جماعت، استقامت می‌کنم؛ چون این دستور امام است که باید استقامت و مقابله کرد. اگر ما را نادیده بگیرند و به حساب نیاورند، من به تنهایی با نیروهای خودم و با خانم‌هایی که از آقایان جلوتر و تواناتر هستند، مقابله می‌کنیم».



مسجد ولیعصر (عج) در مجاورت تئاتر شهر قرار دارد و معماری سنتی اسلامی دارای گنبد و مناره‌های بلند را به چالش می‌کشد.

به گفته آسوشیتدپرس، ساختمان مسجد ولیعصر (عج)، محافظه‌کاران را خشمگین کرده است، زیرا آن‌ها معماری این مسجد را بخشی از هجمه سکولار علیه جمهوری اسلامی می‌دانند. این خبرگزاری آمریکایی به گزارش وبگاه مشرق در این باره اشاره می‌کند. گزارشی که در آن انحنای مسجد با کیپای یهودی مقایسه شده و مقامات را به خاطر موافقت با ساخت این مسجد به خیانت متهم می‌کند.

آسوشیتدپرس مدعی شد که این مسجد به محل جدیدی برای نبرد فرهنگی بین تندروها و جامعه هنری ایران تبدیل شده است.

ساختمان مسجد ۲۵ هزار متر مربع مساحت دارد و در یک چهارراه بزرگ در تهران در کنار تئاتر شهر بنا شده است. مسجد دارای کتابخانه، سالن مطالعه، کلاس و آمفی تئاتر است.

معماران این مسجد، رضا دانش‌میر و همسرش کاترین اسپیری‌دونوف هستند. دانش‌میر ماه‌ها برای متقاعد کردن مسئولان تلاش کرد. او به آن‌ها گفته احداث یک مسجد سنتی در آنجا، با محل تناسب نخواهد داشت. او حتی درباره طراحی‌اش در مقابل یک کمیته پارلمانی هم استدلال کرده است.

دانش‌میر گفت: مقامات شهری «اعتراض کردند و گفتند این شبیه یک مسجد نخواهد بود. شباهتی با شکل سنتی یک مسجد ندارد و بنابراین، (طرح تو) انجام نخواهد شد.»

او در ادامه با اشاره به جوانان ایرانی که دارای عادت‌های اجتماعی غیر سنتی هستند و مکرراً به محدوده این مسجد رفت‌وآمد می‌کنند، گفت: «من توضیح دادم که مخاطبان واقعی این مسجد چه کسانی هستند. من نهایتاً موفق شدم



که آن‌ها را متقاعد کنم.»

وی افزود: «ما خواستیم که این یک پروژه پیشگام باشد نه یک پروژه محافظه‌کار و مرتجع.»
کاترین اسپیریونوف، شریک دانش‌میر در طراحی مسجد، اشاره کرد که این مسجد اندازه‌ها و اشکال گوناگونی دارد.
اولین مسجدی که در زمان پیامبر (ص) ساخته شد، یک مسجد ساده و بدون گنبد یا مناره بود.
ساختمان تئاتر شهر در کنار مسجد ولیعصر (عج)

گنبد و نیز مناره که در معماری کافران و مسیحیان برای قرن‌ها قبل از ظهور اسلام استفاده می‌شد، بعدها وارد معماری مساجد شد. در گذشته، مؤذن، از طریق پله‌های مارپیچ به بالای مناره می‌رفت تا اذان بگوید. اما این کار در جهان اسلام اکنون انجام نمی‌شود، زیرا اغلب مساجد اکنون به بلندگوهایی مجهز هستند.
بنا به ادعای آسوشیتدپرس، استدلال فوق، برای محافظه‌کاران معتبر نیست. با این حال، ساخت مسجد پس از ۱۰ سال و با هزینه ۱۶ میلیون دلار به پایان رسید

جَوُّوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ». نهج البلاغه، قصار ۱۴۷.



یک دهه پیش وقتی جمعی از اهالی تئاتر از تصرف پارکینگ تئاتر شهرشان برای ساخت مسجد اعتراض و شکوه سر دادند، فکرش را هم نمی‌کردند که ساختمانی در کنار تئاتر شهر قد علم کند که نه تنها طبق وعده‌ها مسجد نشده، بلکه انگار بیشتر به درد برگزاری درآمدزا و تجاری مجالس ختم و پذیرایی و همایش می‌خورد.

به گزارش ایسنا، ۱۴ سال قبل کلنگ احداث یک مسجد به جای پارکینگ تئاتر شهر در مجاورت این بنای



زیبای فرهنگی پایتخت زده شد و زور و قدرت صاحبان این پروژه آنقدر زیاد بود که اعتراض هنرمندان و حتی تاکید بر وجود خطر برای بنای تاریخی تئاتر شهر و ایجاد ترک در یکی از سالن‌های آن هم راه به جایی نبرد. اما حالا بعد از گذشت سال‌های طولانی و صرف میلیاردها تومان پول بیت‌المال، نه تنها آنچه ساخته شده باعث تعجب می‌شود، بلکه حرف از این است که ساخت مسجد در موقعیت کنونی کار درستی نبوده؛ چراکه نه تنها چند مسجد در همین منطقه وجود دارد، بلکه شرایط جغرافیایی چهارراه ولیعصر (عج) هم وجود چنین بنایی را نمی‌طلبد.



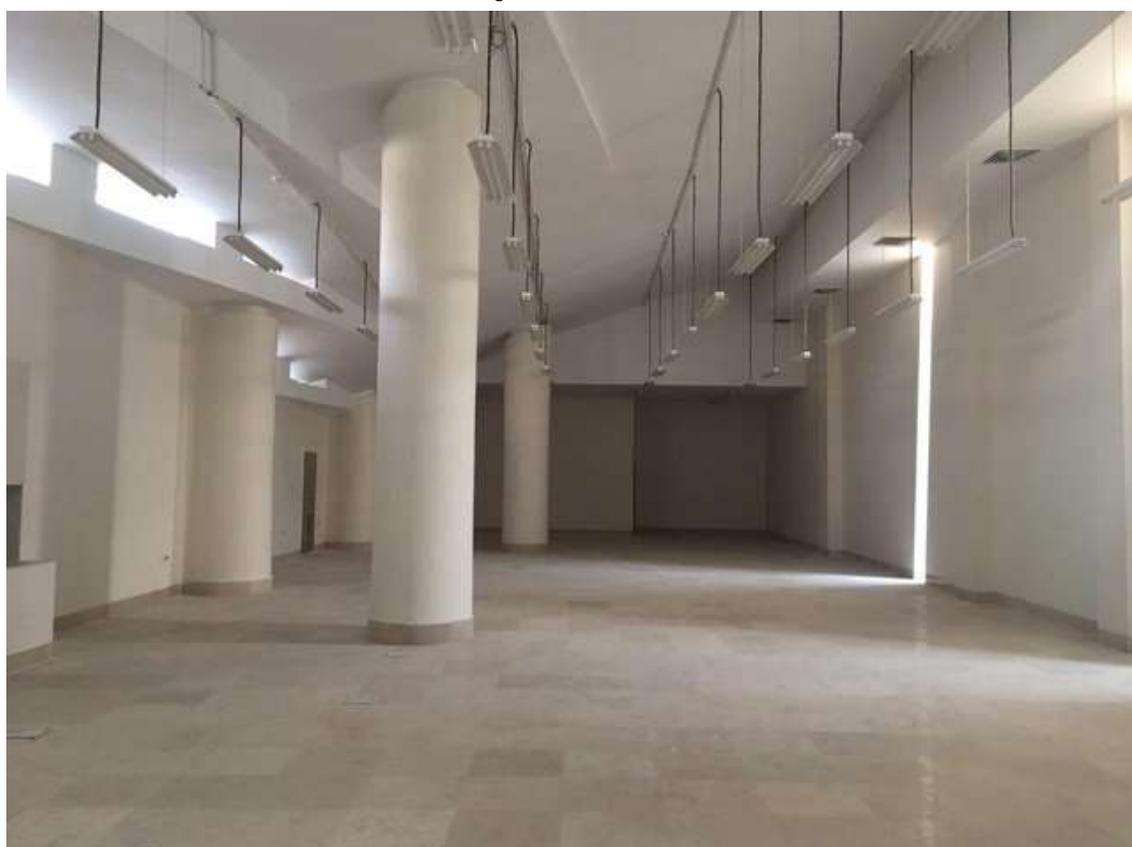


نمازخانه

اما از این‌ها گذشته نکته‌ی قابل توجه ، فضا سازی داخل آن است که کاملاً تایید می‌کند آنچه در مکاتبات اداری به عنوان «مجتمع فرهنگی و نمازخانه» قید شده صحت داشته و برنامه‌ریزی شده بود؛ چراکه از همان بدو ورود فضاهایی دیده می‌شود که به دلیل وجود ستون‌های بزرگ به سختی بتوان استفاده‌ی بهینه از آن‌ها کرد و تعجب‌آورتر از همه، دو گوشه در دو طبقه‌ی این ساختمان است که با جاکفشی‌های قرارداده شده در کنار آن و البته گفته‌ی یکی از حاضران در ساختمان، برای اقامه‌ی نماز در دو بخش جداگانه‌ی زنانه و مردانه تعبیه شده است.



نمازخانه

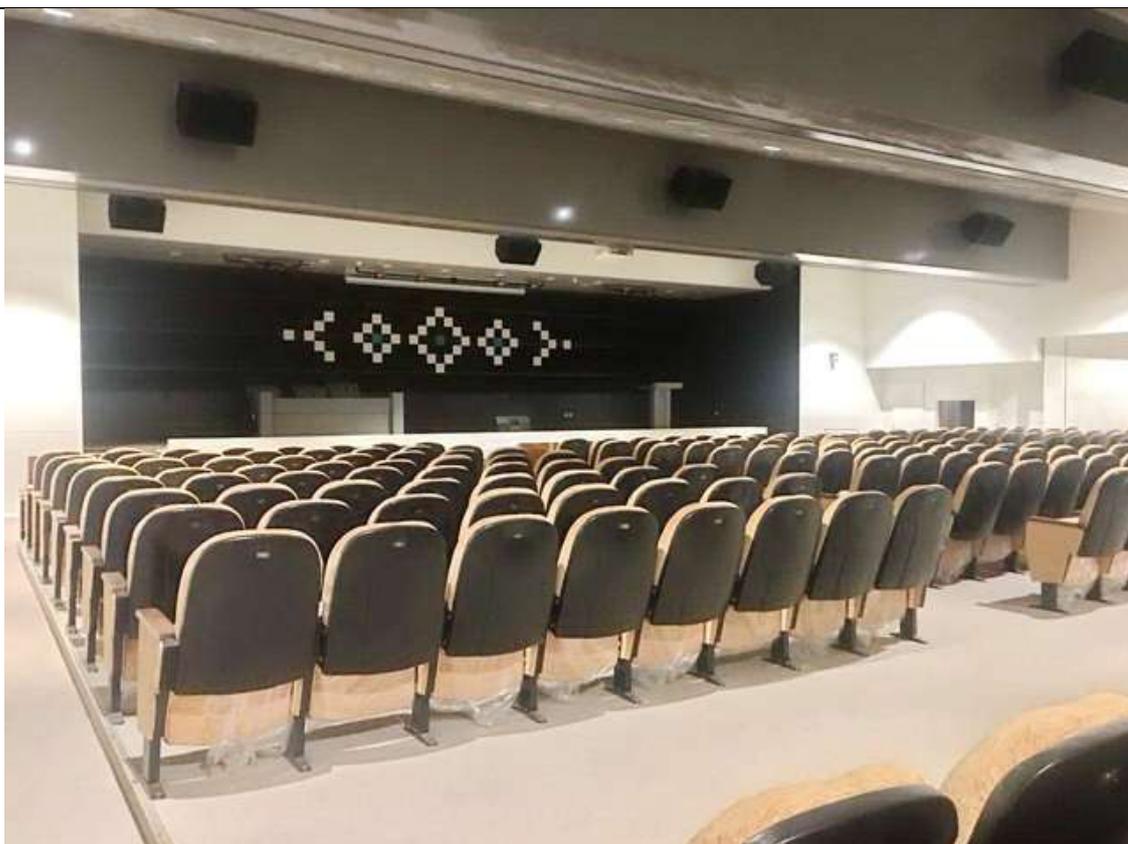




کتابخانه



این مکان دو بخش جالب توجه دیگر هم دارد که برای اجرای تئاتر ساخته شده؛ در حالی که هیچ کدام از ملاحظات یک سالن تئاتری در آن لحاظ نشده است به طوری که نه چیدمان صندلی‌ها برای تماشای تئاتر مناسب است و نه سین، عمق لازم را برای طراحی یک صحنه‌ی تئاتر دارد، به همین دلیل بیشتر شبیه همین سالن‌هایی است که در برخی مسجدها برای برگزاری مجلس ختم احداث می‌شوند و با توجه به نام «مسجد و مجتمع فرهنگی و مذهبی» که روی بنا ثبت کرده‌اند و سالن غذاخوری بزرگی که درست روبروی همین سالن مثلا تئاتر ساخته شده اصلا دور از ذهن نیست که اینجا همان کاربری تجاری مراسم ختم و همایش را داشته باشد.



سالن تئاتر



سالن غذاخوری



نتیجه‌ی صرف حدود ۵۰ میلیارد تومان پول و این همه جار و جنجال این شده؟! چرا در هر طبقه و گوشه‌ای از این ساختمان اینقدر فضای پرت و بیهوده وجود دارد؟ چرا اگر حتی در حالت خوش‌بینانه قصد دلجویی از تئاتری‌ها وجود داشته، برای ساخت سالن، از اهل فن نظرخواهی نشده؟! چرا پارکینگ که به بهانه‌ی ساخت مسجد از بین رفت به دو تکه‌ی کوچک نمازخانه محدود شده؟! و صدها چرای دیگر که باید متولیان و مهندسان و مدیرانی به آن‌ها پاسخ دهند که تصمیم به اجرای چنین پروژه‌ای گرفتند و محوطه‌ی تئاتر شهر را که پس از برداشته شدن حصارها از حضور مداوم دست‌فروشان و اراذل و آدم‌های غیرفرهنگی رنج می‌برد، به این حال و روز انداختند.



پارکینگ



مسیر بیرونی ورود به پارکینگ

اما با وجود همه‌ی ضعف‌ها و ایراداتی که این ساختمان دارد و قطعا یک متخصص بهتر درباره‌ی آن می‌تواند اظهار نظر کند، تنها نکته در حال حاضر وجه مثبت این مکان پارکینگ سه طبقه‌ی آن است که برای آن هم با وجود برخی مشکلاتی که دارد، باید امیدوار بود که لاقلاً در اختیار تئاتر شهر قرار گیرد تا با توجه به نبود پارکینگ، خیری از ساختمان به اجبار ساخته شده به هنرمندان و تماشاگران این مجموعه برسد.

البته این جدا از تاکید احمد مسجدجامعی - عضو شورای شهر تهران - در اختتامیه‌ی جشنواره‌ی نمایش‌های آیینی و سنتی است که اظهار کرد، با توجه به طرح‌های قبلی می‌توان این محل را به «تکیه شهر» تبدیل کرد تا مکانی مثل تکیه دولت در تهران برای برپایی نمایش‌هایی آیینی ایجاد شود.

